

سلسلہ صحیح احادیث و روایات سنّت



پہلے صحیح احادیث و روایات سنّت

ابن تیمیہ از دید گاہ اہل سنّت

مؤلف: اہل سنّت و جماعت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ابن تیمه از دیدگاه اهل سنت

نویسنده:

علی اصغر رضوانی

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

- فهرست ۵
- ابن تیمه از دیدگاه اهل سنت ۹
- مشخصات کتاب ۹
- اشاره ۹
- دبیاچه ۱۸
- پیدایش سلفیه ۲۲
- ابن تیمیه از پیشوایان اندیشه سلفیه ۲۳
- اول: دیدگاه علمای شافعی درباره ابن تیمیه ۲۷
۱. شیخ علاء الدین علی بن اسمح یعقوب شافعی (م ۷۱۰ ه. ق) ۲۷
۲. صفی‌الدین محمد بن عبدالرحیم ارموی شافعی (م ۷۱۵ ه. ق) ۲۷
۳. صدرالدین محمد بن عمر بن مکی شافعی (م ۷۱۶ ه. ق) ۲۸
۴. نور الدین علی بن یعقوب بکری شافعی (م ۷۲۴ ه. ق) ۲۹
۵. کمال الدین محمد بن علی بن عبدالواحد زملکانی انصاری شافعی (م ۷۲۷ ه. ق) ۳۰
۶. ابوالمحاسن جمال الدین یوسف بن ابراهیم محجی شافعی (م ۷۳۸ ه. ق) ۳۰
۷. شمس الدین محمد بن احمد بن عثمان ذهبی (م ۷۴۸ ه. ق) ۳۰
- اشاره ۳۰
- اشاره ۳۱
- نصیحت ذهبی به ابن تیمیه ۳۲
- بررسی نسخه خطی نصیحت‌نامه ۳۹
۸. تقی الدین سبکی شافعی (م ۷۵۶ ه. ق) ۴۳
۹. صلاح الدین خلیل بن أبیک صفدی (م ۷۶۴ ه. ق) ۴۵
۱۰. اسعد بن علی بن سلیمان یافعی، شافعی (م ۷۶۷ ه. ق) ۴۵
۱۱. عقیف الدین عبدالله بن اسعد یافعی مکی شافعی (م ۷۶۸ ه. ق) ۴۶

۱۲. ابوعبدالله محمد بن عبدالله ابن بطوطه، شافعی (م ۷۷۹ ه. ق) ۴۶
۱۳. تقی‌الدین ابوبکر بن محمد حسینی حنفی شافعی (م ۸۲۹ ه. ق) ۴۸
۱۴. نجم‌الدین عمر بن حجاج بن احمد سعدی شافعی (م ۸۳۰ ه. ق) ۵۳
۱۵. ابن حجر عسقلانی شافعی (ت ۸۵۲ ه. ق) ۵۴
۱۶. احمد بن عمر بن عثمان خوارزمی دمشقی شافعی (ت ۸۶۸ ه. ق) ۵۵
۱۷. شهاب‌الدین احمد بن محمد قسطلانی (ت ۹۲۳ ه. ق) ۵۶
۱۸. ابن حجر هیتمی شافعی (ت ۹۷۴ ه. ق) ۵۸
۱۹. شیخ رضوان عدل بیبرس شافعی (م ۱۳۰۳ ه. ق) ۶۱
۲۰. یوسف بن اسماعیل نبهانی شافعی (م ۱۳۵۰ ه. ق) ۶۲
۲۱. شیخ سلامه قضاعی عزامی شافعی (م ۱۳۷۶ ه. ق) ۶۳
۲۲. نجم‌الدین محمد امین کردی شافعی (م ۱۴۰۰ ه. ق) ۶۴
۲۳. حسن بن علی سقاف شافعی ۶۵
۲۴. طارق بن محمد بن عبدالرحمان جباوی سعدی شافعی ۶۶
۲۵. محمود سعید ممدوح شافعی ۶۷
- دوم: دیدگاه علمای حنفی درباره ابن تیمیه ۷۲
۱. قاضی القضاة شمس‌الدین ابوالعباس احمد بن ابراهیم سروجی حنفی (م ۷۱۰ ه. ق) ۷۲
۲. ملا علی بن سلطان محمد قاری هروی حنفی (م ۱۰۱۴ ه. ق) ۷۲
۳. ابوالحسنات محمد عبدالحی لکنوی حنفی (م ۱۳۰۴ ه. ق) ۷۳
۴. محمد بن محمد علاء بخاری حنفی ۷۴
۵. ابوحامد بن مرزوق ۷۴
۶. خلیل احمد سهارنفوری حنفی (م ۱۳۴۶ ه. ق) ۷۵
۷. احمد علی محدث سهارنفوری حنفی ۸۰
۸. مصطفی بن عبدالله قسطنطنی حنفی معروف به حاجی خلیفه ۸۱
۹. محمد بخیت مطیعی حنفی (م ۱۳۵۴ ه. ق) ۸۱

۱۰. شاه فضل رسول قادری هندی حنفی ۸۳
۱۱. شیخ محمد عبدالرحمان سلهتی هندی حنفی ۸۳
۱۲. محمد زاهد کوثری حنفی (م ۱۳۷۱ ه. ق) ۸۵
۱۴. احمد رضا بریلوی حنفی ۸۷
۱۵. نعیم الدین مرادآبادی حنفی ۸۷
- سوم: دیدگاه علمای مالکی درباره ابن تیمیه ۸۸
۱. تاج‌الدین احمد بن محمد بن عطاءالله اسکندری مالکی (م ۷۰۹ ه. ق) ۸۸
۲. عمر بن ابی‌الیمین لخمی فاکهی مالکی (م ۷۳۴ ه. ق) ۸۸
۳. تقی‌الدین محمد بن ابی‌بکر بن عیسی سعدی اخنائی مالکی (م ۷۵۰ ه. ق) ۸۸
۴. ضیاء الدین خلیل بن اسحاق مالکی (م ۷۷۶ ه. ق) ۸۹
۵. محمد برلسی رشیدی مالکی ۹۰
۷. حافظ احمد بن محمد صدیق غماری مالکی (م ۱۳۸۰ ه. ق) ۹۲
۸. عبدالله بن محمد صدیق غماری مالکی (م ۱۴۱۳ ه. ق) ۹۴
۹. احمد زروق مالکی ۹۵
۱۰. زین الدین بن مخلوف مالکی ۹۵
- چهارم: دیدگاه علمای حنبلی درباره ابن تیمیه ۹۵
- اشاره ۹۵
۱. قاضی شیخ شرف‌الدین عبدالغنی بن یحیی حرّانی حنبلی (م ۷۰۹ ه. ق) ۹۶
۲. زین الدین عبدالرحمان بن رجب حنبلی (م ۷۹۵ ه. ق) ۹۶
۳. شهاب الدین احمد بن محمد بن عمر خفاجی حنبلی (م ۱۰۶۹ ه. ق) ۹۶
- پنجم: ابن تیمیه از دیدگاه غیر سلفیان معاصر ۹۷
- اشاره ۹۷
۱. دکتر محمود سید صبیح ۹۸
۲. دکتر محمد سعید رمضان بوطی ۱۰۰

۳. دکتر عمر عبدالله کامل ۱۰۱
۴. شیخ یوسف بن هاشم رفاعی ۱۰۳
۵. محیی الدین حسین بن یوسف اِسْنوی ۱۰۳
۶. ابوالفداء سعید عبداللطیف فوده ۱۰۴
۷. عبدالغنی حماده ۱۰۵
۸. دکتر شیخ یوسف حسن شَرّاح ۱۰۶
۹. شیخ شعیب ارنّاووط ۱۰۷
۱۰. محمّد زکی ابراهیم ۱۰۷
۱۱. شیخ عبدالله هروی (معروف به حبشی) ۱۰۸
- ششم: ابن تیمیه از دیدگاه سلفیان معاصر ۱۰۸
- اشاره ۱۰۸
۱. دکتر عیسی بن مانع حمیری، سلفی ۱۰۸
۲. حسن بن فرحان مالکی سلفی ۱۱۰
۳. محمّد ناصرالدین البانی، سلفی (م ۱۴۲۰ ه. ق) ۱۱۴
۴. محمّد بن علوی مالکی ۱۱۶
- درباره مرکز ۱۲۴

ابن تیمه از دیدگاه اهل سنت

مشخصات کتاب

سرشناسه: رضوانی، علی اصغر، ۱۳۴۱ -
 عنوان و نام پدیدآور: ابن تیمیه از دیدگاه اهل سنت/علی اصغر رضوانی.
 مشخصات نشر: تهران: نشر مشعر، ۱۳۹۰.
 مشخصات ظاهری: ۱۳۷ص.
 شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۴۰-۲۹۱-۲
 وضعیت فهرست نویسی: فیپا
 موضوع: ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، ۶۶۱ - ۷۲۸ق. -- نقد و تفسیر
 موضوع: کلام اهل سنت
 رده بندی کنگره: BP۲۰۱/۶۵/الف۱۷ر۵۷ ۱۳۹۰
 رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۱۶
 شماره کتابشناسی ملی: ۲۳۲۲۲۴۵
 ص ۱

اشاره

ص: ۱۰

دبیاچه

ص: ۱۱

تاریخ اندیشه اسلامی همراه فراز و فرودها و آکنده از تحول و دگرگونی‌ها و تنوع برداشت‌ها و نظریه‌هاست. در این تاریخ پر تحول، فرقه‌ها و مذاهب گوناگون و با انگیزه‌ها و مبانی مختلفی ظهور نموده و برخی از آنان پس از چندی به فراموشی سپرده شده‌اند و برخی نیز با سیر تحول همچنان در جوامع اسلامی نقش آفرینند، اما در این میان، فرقه وهابیت را سیر و سرّ دیگری است؛ زیرا این فرقه با آنکه از اندیشه استواری در میان صاحب‌نظران اسلامی برخوردار نیست، اما بر آن است تا اندیشه‌های ناستوار و متحجرانه خویش را به سایر مسلمانان تحمیل نموده و خود را تنها میدان‌دار اندیشه و تفکر اسلامی بقبولاند.

از این‌رو، شناخت راز و رمزها و سیر تحول و اندیشه‌های این فرقه کاری است بایسته تحقیق که استاد ارجمند جناب آقای علی اصغر رضوانی با تلاش پیگیر و درخور تقدیر به

ص: ۱۲

زوایای پیدا و پنهان این تفکر پرداخته و با بهره‌مندی از منابع تحقیقاتی فراوان به واکاوی اندیشه‌ها و نگرش‌های این فرقه پرداخته است.

ضمن تقدیر و تشکر از زحمات ایشان، امید است این سلسله تحقیقات موجب آشنایی بیشتر با این فرقه انحرافی گردیده و با بهره‌گیری از دیدگاه‌های اندیشمندان و صاحب‌نظران در چاپ‌های بعدی بر ارتقای کیفی این مجموعه افزوده شود.

انه ولی التوفیق

مرکز تحقیقات حج

گروه کلام و معارف

ص ۱۳

اسلام، مردم را به همبستگی و دوری از جدایی دعوت نموده است. قرآن کریم با بیان رهنمودهای روشن، همه انسان‌ها را به گرد آمدن بر محور توحید سفارش می‌کند و تفرقه و چند دستگی را عامل دوری از راه مستقیم دین می‌داند آنجا که می‌فرماید:

وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ (انعام: ۱۵۳)

از راه‌های گوناگون پیروی نکنید که شما را از طریق حق باز می‌دارد.

رسول گرامی اسلام (ص) نیز که جز به عزت و شوکت اسلام و مسلمانان و زیستن آنان براساس ارزش‌های والای دین خدا نمی‌اندیشید، پیوسته از لزوم پابندی به اصول و مبانی سخن گفته و امت خود را از گرفتار شدن در دام دین‌سازان و بدعت‌گذاران بیم می‌داد و نیز راه گریز از زیان‌های ناشی از تفرقه را گوشزد می‌کرد.

این همه سفارش‌ها از آن رو بود که پیروان آخرین دین

ص ۱۴

آسمانی، راه گذشتگان خود را نپویند و بسان آنان دچار فرقه‌های متخاصم نگردند.

خداوند متعال می‌فرماید:

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ (آل عمران: ۱۰۵)

مانند کسانی نباشید که پراکنده شدند و بعد از آنکه دلایل روشن به آنها عرضه شد، گرفتار اختلاف گردیدند.

اما دیری نگذشت که امت اسلامی گرفتار انشعاب شد و مسلمانان به شاخه‌های گوناگون تقسیم شدند و برخلاف توصیه‌های قرآن

و رهنمودهای پیامبر گرامی (ص) موج فرقه‌گرایی سراسر جامعه اسلامی را فرا گرفت.

رشد و گسترش فرقه‌گرایی و استمرار آن، شماری از دانشمندان را به چاره‌اندیشی فراخواند و این حقیقت را برای آنان آشکار کرد

که باید از یک سو عوامل بدینی و جدایی مسلمانان از یکدیگر را نابود سازند و از سوی دیگر با کندوکاو بیشتر در منابع اصیل

اسلامی در شناخت ارزش‌های اصیل دین بکوشند.

بدیهی است که این هر دو گام می‌توانست ثمرات سودمندی را در پی داشته باشد و امت اسلامی را در صفوف به هم فشرده به

مقابله با اسلام‌ستیزان و بدخواهان فراخواند. اما افسوس که این تلاش نافرجام ماند و بدخواهان به جای همکاری و همیاری، بانگ

تفرقه و جدایی سردادند و خواسته یا ناخواسته آب به آسیاب دشمن ریختند و همگام و هم‌نوا با بدخواهان به نفی و طرد مسلمانان

و گسترش فرقه‌ها برخاستند.

پیدایش سلفیه

سلفیه، پدیده‌ای ناخواسته و نسبتاً نخواستار است که انحصارطلبانه، مدّعی مسلمانی است و همه را جز خود کافر می‌داند. فرقه‌ای خودخواه که با به تن در کشیدن جامه انتساب به سلف صالح و با ادّعی وحدت با بنیان وحدت مخالف است.

سلفیه؛ یعنی همان که بستر وهابیت است، مدعی است هیچ مذهبی وجود ندارد و باید به عصر سلف؛ یعنی دوران صحابه، تابعین، و تابعین تابعین بازگشت و اسلام بلامذهب را اختیار نمود. آنان دستی به این دعوت بلند کرده و می‌گویند: بیاید با کنار گذاشتن همه مذاهب به سوی یگانه شدن رویم، ولی با دستی دیگر شمشیر تکفیر را کشیده و با حذف دیگران از جامعه اسلامی و راندن آنان به جمع کفار، جامعه را به چند دستگی می‌کشاند.

واضح است که دعوت مردم به کنار گذاشتن دستاوردهای مذاهب کاری نشدنی است؛ زیرا پیروان مذاهب به سادگی از مذاهب خود دست بر نمی‌دارند و به سوی نقطه‌ای مجهول و تاریک که سلفیه مدعی آن است نمی‌دوند، به ویژه آنکه در پشت این دعوت به «بی‌مذهبی» نوعی مذهب نهفته، بلکه این دعوت، خود نوعی مذهب است، آن هم مذهبی گرفتار چنگال جمود و تنگ‌نظری که اسلام را به صورت دینی بی‌تحرك، بی‌روح، ناقص، ناتوان و بی‌جاذبه تصویر می‌کند و با احیای روح خشونت و تعصب، راه را بر هرگونه نزدیک شدن به همدیگر می‌بندد و به جای آن فضایی از درگیری‌ها و بدبینی‌ها را ایجاد می‌کند و دست همگان را به سوی شمشیر پیکار می‌کشاند.

ابن تیمیه از پیشوایان اندیشه سلفیه

از جمله کسانی که در خنثی شدن تلاش‌های عالمان آگاه و متعهد برای ایجاد وحدت اسلامی نقش به‌سزایی داشتند، باید از «سلفیون» و خلف ایشان «وهابیان» نام برد. ابن تیمیه و شاگردان و پیروان مکتب او به بهانه طرح لزوم بازگشت به اسلام سلف، به بیان نظریات و عقاید سخیفی درباره مسائل گوناگون اسلامی - به ویژه در باب توحید و شرک - پرداختند که بر اساس این نظریات، بسیاری از افکار و اعمال مسلمانان زیر سؤال می‌رفت و شمار زیادی از یکتاپرستان از جرگه اسلام بیرون رانده می‌شدند.

ابن تیمیه و پیروان او مدعی بودند که براساس «اسلام سلف صالح» سخن می‌گویند و انحرافات را که در طول چند قرن پدید آمده، از رهگذر شناخت «سیره سلف صالح» از میان برمی‌دارند؛ در حالی که نیکوترین روش برای دریافت ارزش‌های اصیل اسلامی، بازگشت به قرآن و سنت معصومین: است و آگاهی از اینکه آورنده دین چه روشی را ارائه کرده و کدامین دستورات را عرضه داشته است.

به همین جهت است که دانشمندان دلسوز باید با تلاش پیگیر به نقد و بررسی افکار ابن تیمیه پرداخته و بر همه مسلمانان آشکار کنند که دیدگاه‌های او نه تنها منطبق بر اسلام راستین نیست، بلکه با سیره سلف صالح نیز سازگاری ندارد.

آری، روش ابن تیمیه در برخورد با مسائل اسلامی ثمره‌ای جز جدایی مسلمانان از یکدیگر و نفی بسیاری از عقاید و آداب اسلامی نداشت، ولی رویارویی صریح دانشمندان

ص ۱۷

اسلامی با وی سبب شد که این حرکت پس از مدتی کوتاه متوقف گردد. در میان شاگردان او تنها «ابن قیم جوزیه» بر تعالیم استاد خود پافشاری داشت و کتاب‌های چندی در این زمینه تألیف نمود. امّا در طول بیش از چهار قرن بعد از ابن تیمیه، این افکار و آرا چندان رونقی نیافت و بسیاری از آنها به فراموشی سپرده شد.

ص ۱۹

وهابیان برای ابن تیمیه ارج و اعتبار خاصی قائل بوده و او را شیخ الاسلام خود می‌دانند و چنان وانمود می‌کنند که وی در نزد همه فرق اسلامی از جایگاه ویژه‌ای در دفاع از سنت برخوردار است و این در حالی است که از زمان خود ابن تیمیه تا عصر حاضر همواره علمای اهل سنت به نقد اندیشه‌های وی پرداخته‌اند. اینک به بررسی اظهارنظرهای آنان می‌پردازیم:

اول: دیدگاه علمای شافعی درباره ابن تیمیه

۱. شیخ علاء الدین علی بن اسمح یعقوب شافعی (م ۷۱۰ ه. ق)

ابن حجر درباره او می‌گوید: «شدید الحطّ علی ابن تیمیه» (۱)؛ «او شدیداً بر ابن تیمیه حمله می‌نمود».

۲. صفی الدین محمد بن عبدالرحیم ارموی شافعی (م ۷۱۵ ه. ق)

۱- الدرر الكامنة، ج ۳، ص ۲۹.

ص ۲۰

او که از علمای هند بوده و سپس در دمشق ساکن شده دارای تصنیفات بسیاری در علم اصول فقه و کلام است. ذهبی درباره او می‌گوید:

العلامة الأوحى صفى الدين ... كان حسن الاعتقاد على مذهب السلف. (۱)

علامه نمونه صفی‌الدین ... او اعتقاد خوبی به مذهب سلف داشت.

تاج‌الدین سبکی در کتاب «طبقات الشافعیة» مناظره‌ای را از او با ابن‌تیمیه ذکر کرده است. (۲)

۳. صدرالدین محمد بن عمر بن مکی شافعی (م ۷۱۶ هـ. ق)

او فقیه و مفتی و محدث اهل سنت و مشهور به ابن‌المرخیل و ابن‌الوکیل و از امامان بزرگ شافعی به حساب می‌آید، تاج‌الدین سبکی درباره او می‌گوید:

وله مع ابن تیمیة المناظرات الحسنه و بها حصل علیه التعصب من اتباع ابن تیمیة ... (۳)

او با ابن‌تیمیه مناظرات خوبی داشت و بدین جهت پیروان ابن‌تیمیه بر علیه او تعصب ورزیدند.

ابن‌کثیر که شاگرد ابن‌تیمیه است درباره او می‌گوید:

۱- ذیل تاریخ الاسلام، ص ۱۳۷.

۲- طبقات الشافعیة، سبکی، ج ۵، ص ۹۲.

۳- همان، ص ۱۴۱.

ص ۲۱

وكان ينصب العداوة للشيخ تقى الدين ابن تيمية و يناظره فى كثير من المحافل و المجالس. (۱)

او با شیخ تقی الدین ابن تیمیه عداوت داشته و با او در بسیاری از محافل و مجالس مناظره می کرد.

۴. نور الدین علی بن یعقوب بکری شافعی (م ۷۲۴ ه. ق)

او مفتی و امام اهل سنت بوده ابن قاضی شبهه درباره او می گوید:

واشتغل و افتی و درس، و لما دخل ابن تيمية إلى مصر قام عليه و انكر ما يقوله و آذاه. (۲)

او مشغول به علم شده و فتوا و درس می داد، و چون ابن تیمیه وارد مصر شد بر ضد او به پا خواست و آنچه را می گفت انکار کرده و او را آزار می داد.

ذهبی درباره او می گوید:

الإمام المفتى الزاهد نورالدين على بن يعقوب بن جبرئيل ... وكان ديناً متعففاً، مطرحاً للتجمل، نهاء عن

المنكر حتى نفاه السلطان بعد ان همّ بقطع لسانه، وكان قد وثب مرّة على الشيخ تقى الدين و نال منه. (۳)

امام، مفتی، زاهد نورالدین علی بن یعقوب بن جبرئیل ... او دیندار و عقیف بوده و از اهل تجمل نبود، و بسیار نهی از منکر می کرد تا

۱- البدایة و النهایة، ج ۲، ص ۲۱۴۶.

۲- طبقات الشافعیة، ج ۳، ص ۱۲۷.

۳- ذیل تاریخ الاسلام، ص ۲۱۶.

اینکه سلطان بعد از آنکه قصد بریدن زبانش را کرد او را تبعید نمود. یک بار بر شیخ تقی‌الدین (ابن تیمیه) حمله کرده و متعرض او شد.

۵. کمال‌الدین محمد بن علی بن عبدالواحد زملکانی انصاری شافعی (م ۷۲۷ ه. ق)

او که امام و مفتی و قاضی القضاة در شام بوده و ریاست مذهب شافعیه و تدریس و فتوا و مناظره به او رسیده از جمله کسانی است که کتابی در ردّ ابن تیمیه به نام «العمل المقبول فی زیارة الرسول» تألیف نموده است. (۱)

۶. ابوالمحاسن جمال‌الدین یوسف بن ابراهیم محجی شافعی (م ۷۳۸ ه. ق)

او امام شافعیه و قاضی و فقیه در این مذهب بوده ذهبی درباره او می‌گوید:
وكان يباليغ في اذى ابن تيمية وجماعة، ويتمقت ويعجب بنفسه، ولكنه يحب الله ورسوله ويؤذي المبتدعة وفيه ديانة وحسن معتقد. (۲)
او زیاد ابن تیمیه و جماعه را اذیت می‌کرد و از او غضبناک می‌شد و بر رأی خود معجب بود، ولی خدا و رسولش را دوست داشت و بدعت گذاران را اذیت می‌نمود و اهل دیانت و نیکی عقیده بود.

۷. شمس‌الدین محمد بن احمد بن عثمان ذهبی (م ۷۴۸ ه. ق)

اشاره

۱- طبقات الشافعية، ج ۵، ص ۱۰۶.

۲- ذیل تاریخ الاسلام، ص ۳۴۲.

اشاره

او درباره ابن تیمیه می‌نویسد:

... وقد تعبت فی وزنه وفتشه حتی مللت فی سنین متطاولة، فما وجدت أخزّه بین اهل مصر و الشام و مقتته نفوسهم وازدروا به وکذبوه وکفروه إلّا الکبر والعجب و فرط العزام فی رئاسة المشیخة و الازدراء بالکبار... (۱)

... من بسیار در بررسی احوال او زحمت کشیدم و درباره او به این نتیجه رسیدم که علت کنار گذاشتن او بین اهل مصر و شام و تنفر مردم از او و سرزنش و تکذیب و تکفیر او به جهت تکبر و خودخواهی و شدت علاقه به رهبری علما و توهین نسبت به بزرگان بوده است

او نیز درباره شخصی می‌گوید:

فان برعت فی الأصول و توابعها من المنطق والحکمة والفلسفة وآراء الأوائل ومحاورات العقول، واعتصمت مع ذلك بالکتاب والسنة و اصول السلف، ولفقت بین العقل والنقل، فما أظنک فی ذلك تبلغ رتبة ابن تیمیه ولا والله تقاربها، وقد رأیت ما آل امره إليه من الحطّ علیه والهجر والتضلیل والتکفیر والتکذیب بحق وباطل... (۲)

اگر تو در اصول و توابع آن از منطق و حکمت و فلسفه و آرای متقدمین و بحث‌های عقلی نمونه بوده و در عین حال به قرآن و

۱- بیان زغل العلم و الطلب، صص ۱۷-۱۸.

۲- الاعلان بالتویخ لمن ذم التاريخ، ص ۷۸.

سنت و اصول پیشینیان تمسک کرده و بین عقل و نقل جمع کرده‌ای، امّا گمان نمی‌کنم که در این امور به مرتبه ابن تیمیه رسیده باشی و نه به خدا که به مرتبه او نزدیک نشوی، ولی دیدی که عاقبتش به کجا انجامید و چگونه پست و خوار و ذلیل شد و او را تکفیر کرده و به حق و باطل تکذیبش نمودند ...

نصیحت ذهبی به ابن تیمیه

شمس‌الدین محمد بن احمد ذهبی، متوفای ۷۴۸ هـ. ق از بزرگان رجالی اهل سنت است. او که شاگرد ابن تیمیه بوده هنگامی که مشاهده می‌کند استادش درصدد تکفیر و تفسیق مسلمانان است، درصدد نصیحت او برآمده و نکاتی را به او تذکر می‌دهد. این نصیحت نامه که به نام «النصیحة الذهبیة الی ابن تیمیة» معروف است جداگانه با تحقیق چاپ شده است. اینک متن آن با ترجمه و تحقیق در اینجا آورده می‌شود؛

بسم الله الرحمن الرحیم، الحمد لله علی ذلتی، یا ربّ ارحمنی و اقلنی عثرتی و احفظ علی ایمانی، و احزنه علی قلّة حزنی، و اأسفاه علی السنّة و ذهاب اهلها، و اشوقاه الی اخوان مؤمنین یعاونوننی علی البکاء، و احزنه علی فقد اناس کانوا مصابیح العلم و اهل التقوی و کنوز الخیرات. آه علی وجود درهم حلال و أخ مؤنس.

طوبی لمن شغله عیبه عن عیوب الناس، و تباً لمن شغله عیوب الناس عن عیبه، الی کم ترى القداة فی عین اخیک و تنسی الجذع فی عینک؟ الی کم تمدح نفسک و شقاشقک و عباراتک

و تدم العلماء و تتبع عورات الناس مع علمک بنہی الرسول (ص): (لاتذکروا موتاکم إلاً بخیر؛ فأنہم قد أفضوا إلى ما قدموا) (۱)، بلی اعرف أنك تقول لی لتنصر نفسک، أما الوقیعۃ فی هؤلاء الذین ماشموا رائحۃ الإسلام ولا عرفوا ما جاء به محمد (ص) و هو جهاد، بلی والله عرفوا خیراً ممّا إذا عمل به العبد فقد فاز و جهلوا شیئاً كثيراً ممّا لا یعنیہم. و: (من حسن اسلام المرء ترکہ ما لا یعنیہ). (۲)

یا رجل! بالله علیک کفّ عنّا؛ فانّک محجاج عليم اللسان لاتقرّ و لاتنام، ایاکم و الأغلوطات فی الدین. کره نبيک (ص) المسائل و عابها و نهى عن كثرة السؤال و قال: (انّ اخوف ما اخاف على امتی کل مناقق عليم اللسان). (۳)

و كثرة الكلام بغير دليل تقسى القلب إذا كان فى الحلال و الحرام فكيف إذا كان فى العبارات اليونسيه و الفلاسفة و تلك الكفريات التى تعمى القلوب! والله قد صرنا ضحكة فى الوجود. فإلى كم تنبش دقائق الكفريات الفلسفية لندّ عليها بعقولنا. يا رجل! قد بلعت سموم الفلاسفة و مصنفاتهم مرّات، و بكثرة استعمال السموم يُدْمِنُ عليها الجسم و تكمن والله فى البدن. و اشوقاه إلى مجلس فيه تلاوة بتدبّر، و خشية بتذکر، و صمت بتفکر. واهاً لمجلس يذكر فيه الأبرار. فعند ذكر الصالحين تنزل الرحمة، لا عند ذكر الصالحين يُذكرون بالإزدراء و اللعنة. كان سيف الحجاج و لسان ابن حزم شقيقين

۱- صحيح بخارى، كتاب الجنائز، باب ما ينهى من سبّ الأموات و ...

۲- صحيح ترمذی، كتاب الزهد، باب ۱۱.

۳- مسند احمد، ج ۱، ص ۲۲.

واخیتہما. بالله خلّونا من ذکر بدعۃ الخمیس و اکل الجوب، وجدوا فی ذکر بدع کنا نعدھا رأساً من الضلال قد صارت ہی محض السنۃ و اساس التوحید، و من لم یعرفھا فهو کافر أو حمار، و من لم یکفر فهو اکفر من فرعون. و تعد النصاری مثلنا. والله فی القلوب شکوک ان سلم لک ایمانک بالشہادتین فانت سعید.

یا خبیئہ من اتبعک فأنه مُعرّض للزندقہ و الانحلال، و لاسیما إذا کان قلیل العلم و الدین باطولياً شہوانیاً، لکنه ینفعک و یجاهد عنک بیده و لسانه و فی الباطن عدوّ لک بحاله و قلبه. فهل معظم أتباعک إلّا قعید مربوط خفیف العقل، او ناشف صالح عذیم الفہم، فان لم تصدقنی ففتّشہم وزنہم بالعدل.

یا مسلم! اقدم حمار شہوتک لمدح نفسک، إلى کم تصادقها و تعادی الأخیار؟ إلى کم تصدقها و تزدری بالأبرار، إلى کم تعظمها و تصغر العباد، إلى متى تخالّلها و تمقت الزہاد، إلى متى تمدح کلامک بکیفیۃ لاتمدح بها والله احادیث الصحیحین. یا لیت احادیث الصحیحین تسلّم منک بل فی کل وقت تغیر علیها بالتضعیف و الإهدار او بالتأویل و الإنکار.

أما آن لک ان ترعوی؟ أما حان لک ان تتوب و تنیب؟ أما انت فی عشر السبعین و قد قرب الرحیل. بلی والله ما أذکر أنّک تذکر الموت، بل تزدری بمن یذکر الموت، فما اظنّیک تقبل علی قولی و لاتصغی إلى وعظی، بل لک همیۃ کبیرۃ فی نقض هذه الورقة بمجلدات و تقطع لی أذنا ب الکلام، و لاتزال تنتصر حتّی اقول

ص ۲۷

لک و البتّه سکت.

فإذا كان هذا حالك عندى و أنا الشفوق المحبّ الوادّ، فكيف يكون حالك عند أعدائك، و أعدائك والله فيهم صلحاء و عقلاء و فضلاء، كما أنّ أوليائك فيهم فجره و كذبّه و جهله و بطله و عور و بقر.

قد رضيت منك بأنّ تسبني علانيه و تنتفع بمقالتي سراً: (رحم الله امرأ اهدى إلى عيوبي)، فأنّي كثير العيوب، عزيز الذنوب، الويل لي ان أنا لا أتوب، و وافضحتني من علام الغيوب، و دوائى عفوالله و مسامحته و توفيقه و هدايته، و الحمد لله ربّ العالمين، و صلّى الله على سيدنا محمّد خاتم النبيين و على إله و صحبه اجمعين.

به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر. ستایش مخصوص خداوند است بر ذلت من، ای پروردگار من! به من رحم کن و لغزشم را بپوشان و ایمان را برایم حفظ کن. وای از کمی حزنم، و تأسف بر سنت و رفتن اهلش. و چه قدر مشتاق برادران مؤمن هستم تا مرا بر گریستن یاری دهند، و چه قدر بر از دست دادن مردانی که چراغ‌های علم و اهل تقوا و گنج‌های خیرات بوده‌اند محزونم. آه که چه قدر حسرت وجود درهم حلال و برادر همدم می‌خورم. خوشا به حال کسی که عیب خودش او را از عیوب مردم باز دارد، و بدا به حال کسی که عیوب مردم او را از عیوب خودش باز دارد. تا به کی خاشاک را در چشم برادرت می‌بینی ولی تنه درخت را در چشم مشاهده نمی‌کنی؟ تا به کی خود و گفتار و عبارات خود را مدح می‌کنی و علما را

ص ۲۸

مذمت می‌نمایی و به دنبال لغزش‌های مردم می‌باشی در حالی که می‌دانی پیامبر (ص) از این کار نهی کرده است آن جا که می‌فرماید: (مردگان خود را جز به خیر یاد نکنید؛ زیرا آنان به آنچه که پیش فرستاده بودند رسیدند).

آری، می‌دانم که جواب مرا می‌دهی تا خودت را یاری کنی، که مصیبت در مورد کسانی است که بویی از اسلام نبرده و از شریعت محمّد (ص) اطلاعی ندارند، در حالی که این امر جهاد است. آری، به خدا سوگند! مقداری از خیر را شناختند که اگر بنده به آن عمل می‌کرد پیروز می‌شد ولی نسبت به بسیاری از امور که خداوند از آنها نخواستہ جاهل شدند. و در حدیث است: (از خوبی اسلام انسان این است که چیزی را که بی‌معناست ترک کند).

ای مرد! تو را به خدا سوگند! دست از ما بردار؛ زیرا تو اهل محاجّه می‌باشی با زبانی گویا که قرار نداشته و آرام ندارد، و پرهیز از غلط کاری در دین. پیامبر (ص) از ورود در مسائلی کراهت داشت و عیب گرفت و از زیاد سؤال کردن نهی کرد و فرمود: (بیشترین خوفم بر اتم از منافقی است که زبان گویا دارد). و زیاد حرف زدن بدون دلیل قلب را می‌میراند اگر در حلال و حرام باشد تا چه رسد به عبارات یونسیه و فلاسفه و این کفریاتی که قلب را کور می‌کند.

به خدا سوگند که ما در عالم وجود مضحکه شده‌ایم. پس تا به کی دقائق کفر یا فلسفی را نبش می‌کنی تا با عقولمان آنها را ردّ کنیم. ای مرد! تو سمّ‌های فلاسفه و مصنّفات آنها را چندین مرتبه بلعیده‌ای و با زیاد استعمال کردن سمّ، جسم با آن فریه شده و به خدا سوگند

ص ۲۹

کہ در بدن جای می‌گیرد. چه قدر مشتاق مجلسی هستم کہ در آن قرآن با تدبر و خشیت با تذکر و سکوت، و با تفکر باشد. و چه مقدار مشتاق مجلسی هستم کہ در آن ذکر نیکان باشد؛ چرا کہ هنگام یاد صالحان برکت نازل می‌شود، نہ اینکہ هنگام ذکر صالحان آنها را با خواری و لعن یاد کنیم. در سابق شمشیر حجاج و زبان ابن حزم مثل دو برادر بودند کہ هر دو را با ہم جمع کردی.

به خدا سوگند! ما را از ذکر بدعت خمیس و خوردن حبوب رها کن. آنان را در ذکر بدعت‌هایی یافتند کہ از اصل ضلالت بود، ولی الآن به عنوان سنت اصیل و اساس توحید مطرح شده کہ هر کس آن را نشناسد کافر یا الاغ است، و کسی کہ تکفیر نکند از فرعون کافرتر می‌باشد و مسیحیان مثل ما به حساب می‌آیند. به خدا سوگند! در قلب‌ها شک‌هایی است کہ اگر ایمانت با شهادتین برای تو سالم بماند تو به سعادت رسیده‌ای. ای خسران بر کسی کہ از تو پیروی کرده و در معرض کفر و از ہم پاشیدن قرار گرفته است، خصوصاً در صورتی کہ دارای علم و ایمان اندک با آرزوهای دراز و شہوانی باشد، ولی چنین شخصی تو را نفع می‌دهد و می‌تواند از تو با دست و زبانش دفاع کند در حالی کہ در باطن با حال و قلبش دشمن توست. آیا بیشتر پیروان افراد زمین‌گیر و غیرمستقل و کم‌خرد یا افراد صالح بی‌فہم و شعور نیستند؟! اگر مرا تصدیق نمی‌کنی تفتیش کن و آنها را با ترازوی عدالت وزن نما. ای مسلمان! الاغ شہوت را برای مدح خود پیش انداز، تا بہ کی با او بہ صداقت رفتار می‌کنی و با نیکان دشمنی می‌نمایی؟ و تا بہ کی او را تصدیق می‌کنی و بہ نیکان عیب وارد می‌نمایی؟! و تا بہ کی

ص ۳۰

او را تعظیم کرده و بندگان خدا را کوچک می‌کنی، تا به کی با او دوستی می‌کنی ولی با افراد زاهد دشمنی می‌نمایی؟! و تا به کی کلام و گفتار خود را می‌ستایی به حدی که- به خدا سوگند- احادیث صحیحین را ستایش نمی‌کنی؟! ای کاش احادیث صحیحین از زبان تو در امان می‌ماند، بلکه در هر وقتی بر آنها با تضعیف کردن و ضربه زدن به آنها و با تأویل و انکار غضب می‌کنی. آیا وقت آن نرسیده که از این کارها دست برداری؟! آیا وقت آن نشده که توبه کرده و بازگردی؟! آیا تو در دهه هفتاد خود نیستی که وقت رفتن نزدیک است؟! آری به یاد ندارم که تو یاد مرگ کرده باشی، بلکه هر کس که یاد مرگ می‌کرد تو او را سرزنش می‌نمودی. گمان نمی‌کنم که حرف مرا بپذیری و به موعظه‌ام گوش فرا دهی؛ زیرا تو همت بلندی در نقض این ورقه به چند جلد کتاب داری و مرا از پیگیری سخنانم باز می‌داری و دائماً از خود دفاع می‌کنی تا به تو بگویم من دیگر ساکت شدم.

اگر وضعیت و حال تو نزد من که برادر و دوست صمیمی من هستی این است چه رسد به حال تو نزد کسی که از دشمنان تو به حساب می‌آید. و به خدا سوگند که در میان دشمنان تو افرادی صالح و عاقل و فاضل وجود دارند، همان‌گونه که در میان دوستان افراد فاجر و دروغ‌گو و جاهل و باطل و کور و گاو [نفهم] هستند.

من از تو راضی هستم که مرا در ملاء- عام ناسزاگویی ولی از گفتار من در خفا نفع ببری، همان‌گونه که در روایت آمده: (خدا رحمت

ص ۳۱

کند کسی را که عیب‌هایم را به من هدیه دهد). من دارای عیوب بسیاری هستم، وای بر من اگر توبه نکنم، وای از مفتضح شدنم از جانب خدایی که علم غیب بسیار دارد، دوای من عفو و بخشش و گذشت و توفیق و هدایت خداست. و ستایش مخصوص خدایی است که پروردگار عالمیان است و درود خدا بر آقای ما محمد خاتم پیامبران و بر آل و تمام صحابه او.

بررسی نسخه خطی نصیحت‌نامه

نسخه خطی این نصیحت‌نامه در «دارالکتب المصریة» قاهره، با شماره (۱۸۸۲۳ ب) به خط فقیه ابن قاضی شهبه، و به نقل از خط قاضی القضاة برهان الدین معروف به ابن جماعه، از خط حافظ ابوسعید علائی که از خط ذهبی استنساخ کرده موجود است. ابن قاضی شهبه، فقیه، مورخ همان ابوبکر بن احمد بن محمد بن عمر اسدی دمشقی شافعی است که در سال ۷۷۹ هـ. ق در دمشق متولد شد. او متصدی فتوی و تدریس شده و در شهر خود و نیز بیت المقدس حدیث می‌گفت. او دارای آثاری است از قبیل: «طبقات الفقهاء الشافعیة»، «شرح منهاج الطالبین» نووی و (۱)

و ابن جماعه، همان قاضی القضاة، مفسر، برهان الدین ابراهیم بن عبدالرحیم بن محمد بن سعدالله بن جماعه است که در مصر، سال ۷۲۵ هـ. ق متولد شده است. او در سفر به شام ملازم مزّی و ذهبی بوده و

۱- ر. ک: شذرات الذهب، ج ۷، ص ۲۶۹.

ص ۳۲

از آن دو بسیار نقل کرده است، و سپس ریاست علما به او منتقل شده و متولّی قضاوت در مصر و شام می‌گردد. لذا در ترجمه‌اش او را فقیه محدث مفید ... معرفی کرده‌اند. (۱)

و حافظ ابوسعید علائی همان فقیه اصولی ابوسعید صلاح الدین خلیل بن کیکلوی علائی دمشقی شافعی است که در سال ۶۹۴ ه. ق در دمشق متولد و از بسیاری از علما استفاده نموده است. او متولّی تدریس در مدارس مختلف دمشق و قدس می‌شود، و علم حدیث را در شام و مصر و حجاز فرا گرفته و اهل فتوا و تصنیف بوده است. (۲)

از این نصیحت‌نامه نسخه‌ای دیگر در «دار المکتبه الظاهریه» دمشق با شماره (۱۳۴۷) وجود دارد.

شبهه

برخی می‌گویند: این نصیحت‌نامه از ناحیه ذهبی به ابن تیمیه صحت ندارد؛ زیرا ذهبی در کتاب‌های خود استادش ابن تیمیه را مدح و ستایش کرده است. وانگهی ابن قاضی شبهه از دشمنان او بوده است. لذا شهادت و گواهی او به وجود این نصیحت‌نامه پذیرفتنی نیست.

پاسخ

اولاً: بعید به نظر نمی‌رسد که شخصی در ابتدای امر کسی را مدح

۱- الدرر الكامنه، ج ۱، ص ۳۸.

۲- همان، ج ۲، صص ۹۰-۹۲؛ شذرات الذهب، ج ۶، صص ۱۹۰ و ۱۹۱؛ طبقات الشافعیه، ج ۶، ص ۱۰۴.

کند ولی با کارهای خلافی که از او مشاهده می‌کند نظرش تغییر کرده و او را در آخر امر سرزنش نماید. و مورد ذهبی نیز از این قبیل است.

ثانیاً: از دیگر عبارات ذهبی درباره ابن تیمیه به دست می‌آید که او درباره ابن تیمیه تجدید نظر کرده و رأیش برگشته است.

ذهبی در رساله «بیان زغل العلم و الطلب» خطاب به شخصی می‌نویسد:

فان برعت فی الأصول و توابعها من المنطق و الحکمة و الفلسفة و آراء الأوائل و محاورات العقول و اعتصمت مع ذلك بالكتاب و السنة و اصول السلف، و لفقت بین العقل و النقل، فما اظنک فی ذلك تبلغ رتبة ابن تیمیه ولا والله تقاربها. و قد رأیت ما آل أمره الیه من الحطّ علیه و الهجر و التضلیل و التكفیر و التکذیب بحقّ و باطل. فقد کان قبل ان یدخل فی هذه الصناعة منوراً مضيئاً علی مَحِيَاه سیماء السلف، ثم صار مظلماً مکسوفاً علیه قتمه عند خلائق من الناس، و دجالاً افاکاً کافراً عند اعدائه ... (۱)

اگر تو در اصول و توابع آن از منطق و حکمت و فلسفه و آرای پیشینیان و بحث‌های عقلی تخصص پیدا کردی و با اینها به قرآن و سنت و اصل سلف تمسک و اعتماد کردی و بین عقل و نقل تلفیق و جمع نمودی گمان نمی‌کنم که در این امور به رتبه ابن تیمیه برسی یا به علم او نزدیک شوی، و تو دیدی که کار او به کجا کشید و چگونه خوار شد و مطرود گشت و او را به حق و باطل به

گمراهی و کفر و دروغ نسبت دادند. او قبل از آنکه در این کار وارد شود مردی نورانی و روشن بود و سیمای سلف را در چهره داشت، ولی او نزد مردم تاریک و گرفته و بسته شد و نزد دشمنانش دجال و تهمت زننده و کافر شناخته گشت ... حافظ ابن حجر عسقلانی از ذہبی نقل کرده که درباره ابن تیمیہ گفته است:

وأنا لا اعتقد فيه عصمة، بل أنا مخالف له في مسائل أصلية و فرعية. (۱)

من در حق او اعتقاد به عصمت ندارم، بلکه من مخالف او در مسائلی اصلی و فرعی می‌باشم.

گویا این نصیحت در وجود ابن تیمیہ در اواخر عمرش تأثیر گذاشته است:

ذہبی در ترجمه اشعری می‌گوید:

رأيت للأشعري كلمة اعجبتني وهي ثابتة رواها البيهقي، سمعت أبا حازم العبدوي، سمعت زاهر بن أحمد السرخسي يقول: لما قرب حضور أجل أبي الحسن الأشعري في داري ببغداد، دعاني فأتيته، فقال: أشهد على أنني لا أكفر أحداً من أهل القبلة؛ لأنّ الكل يشيرون إلى معبود واحد، وأنما هذه كلّ اختلاف العبارات.

قلت: وبنحو هذا ادین، وكذا كان شيخنا ابن تیمیة في أواخر أيامه يقول: أنا لا أكفر أحداً من الأمة، ويقول: قال النبي (ص): (لا يحافظ على الوضوء إلّا مؤمن)، فمن لازم الصلوات بوضوء فهو مسلم. (۲)

۱- الدرر الكامنة، ج ۱، ص ۱۵۱.

۲- سير اعلام النبلاء، ج ۱۵، ص ۸۸.

ص ۳۵

از ابوالحسن اشعری کلامی را مشاهده کردم که مرا به تعجب واداشت و آن ثابت است و بیهقی آن را روایت کرده که از ابوحازم عبدوی شنیدم که گفت: از زاهر بن احمد سرخسی شنیدم که می گفت: چون هنگام وفات ابوالحسن اشعری در خانه من در بغداد رسید مرا فراخواند. نزد او رفتم، او گفت: بر من گواهی بده که هیچ یک از اهل قبله را تکفیر نمی کنم؛ زیرا تمام مسلمانان به یک معبود اشاره دارند گرچه عباراتشان مختلف است.

من می گویم: نظر من هم همین است. و نیز شیخ ما ابن تیمیه در اواخر عمرش می گفت: من هرگز فردی از امت را تکفیر نمی کنم. و می گفت: پیامبر (ص) فرموده: (شخص مؤمن کسی است که بر نمازش محافظت داشته باشد)؛ پس هر کس ملازم نمازهای خود با وضو باشد او مسلمان است.

۸. تقی الدین سبکی شافعی (م ۷۵۶ ه. ق)

او درباره ابن تیمیه می گوید:

اعلم أنه يجوز ويحسن التوسل والإستغاثه والتشفع بالنبي (ص) إلى ربّه سبحانه وتعالى وجواز ذلك وحسنه من الأمور المعلومه لكلّ ذی دین، المعروفه من فعل الأنبياء والمرسلين وسير سلف الصالحين والعلماء والعوام من المسلمين، ولم ينكر أحد ذلك

ص ۳۶

من أهل الأديان، ولا سمع به في زمن من الأزمان، حتى جاء ابن تيمية فتكلم في ذلك بكلام يُلبس فيه على الضعفاء الأغمار وابتدع ما لم يسبق إليه في سائر الأعصار... وحسبك أنّ انكار ابن تيمية للاستغاثه والتوسل قول لم يقله عالم قبله وصار به بين أهل الإسلام مُثله... (۱)

بدان که جایز است و حسن دارد توسل و استغاثه و طلب شفاعت از پیامبر (ص) نزد پروردگار سبحان و بلندمرتبه، و جواز و حُسن آن از امور معلوم نزد هر صاحب دین بوده و معروف از فعل انبیاء و مرسلین و سیره سلف صالح و علما و عوام از مسلمانان است، هیچ دینداری آن را انکار نکرده و به گوش هیچ کس در هیچ زمانی نخورده است، تا آنکه ابن تيمیه آمد و در این باره سخنی گفت که مطالب را برای عقول ضعیف و پوشیده مشکل ساخت و بدعتی گذاشت که در هیچ عصری سابقه نداشته است... و بس است تو را که انکار استغاثه و توسل از سوی ابن تيمیه گفتاری است که هیچ عالمی قبل از او آن را معتقد نشده است، امری که باعث شد تا بین اهل اسلام تفرقه و شکاف ایجاد شود...

او در ردّ ابن تيمیه در مسأله زیارت قبر پیامبر (ص) می گوید:

ومن المعلوم أنّ الزيارة بقصد التبرک والتعظیم لا تنتهی فی التعظیم إلى درجة الربوبية ولا تزيد علی ما نصّ علیه فی القرآن والسنة وفعل الصحابة من تعظیمه فی حياته وبعد وفاته، فكيف

ص ۳۷

یتخیل امتناعها. (۱)

پُر واضح است که زیارت به قصد تبرک و تعظیم منتهی به درجه ربوبیت نمی‌شود و زاید بر نصّ قرآن و سنت و فعل صحابه از تعظیم پیامبر (ص) در زمان حیات و بعد از وفات او نمی‌گردد، پس چگونه امتناع آن به خیال ابن تیمیه رسیده است.

۹. صلاح الدین خلیل بن ابیک صَفَدی (م ۷۶۴ ه. ق)

وی در کتاب «اعیان العصر و اعوان النصر» می‌نویسد:

انفرد- ابن تیمیه- بمسائل غریبه و رَجَح فیها اقوالا ضعیفه، عند الجمهور معیبه کاد منها یقع فی هوه... (۲)
ابن تیمیه به تنهایی معتقد به مسایل غریبی شده و در آن اقوال ضعیفی را برگزیده است که نزد جمهور علما عیب به حساب می‌آید، مسایلی که نزدیک بود از آنها در لغزش و گمراهی بیفتد.

۱۰. اسعد بن علی بن سلیمان یافعی، شافعی (م ۷۶۷ ه. ق)

او درباره ابن تیمیه می‌گوید:

... وله مسائل غریبه انکر علیه فیها وحس بسببها مبانئه لمذهب أهل السنه، ومن اقبحها نهیه عن زیارة النبی علیه الصلاة والسلام...

(۳)

... او معتقد به مسایلی عجیب و غریب است که علما آنها را انکار

۱- شفاء السقام، ص ۱۳۲.

۲- اعیان العصر و اعوان النصر، ج ۱، ص ۶۶.

۳- مرآة الجنان، ج ۴، ص ۲۴.

ص ۳۸

کرده و به سبب آنها او را حبس نمودند؛ به جهت آنکه با مذهب اهل سنت مخالفت دارد، و قبیح‌ترین آنها نهی او از زیارت پیامبر علیه الصلاة و السلام می‌باشد ...

۱۱. عقیف الدین عبدالله بن اسعد یافعی مکی شافعی (م ۷۶۸ ه. ق)

ابن قاضی شبهه درباره او می‌گوید:

الشیخ الإمام القدوة العارف الفقیه العالم شیخ الحجاز عقیف الدین ... (۱)

شیخ، امام، الگو، عارف، فقیه، عالم، شیخ حجاز، عقیف الدین ...

او نیز درباره یافعی از ابن رافع نقل کرده:

وله کلام فی ذم ابن تیمیة، ولذلك غمزه بعض من تعصب لابن تیمیة من الحنابلة وغيرهم. (۲)

او سخنی در مذمت ابن تیمیه دارد و لذا برخی از حنابله و دیگران که نسبت به ابن تیمیه تعصب دارند بر او حمله کرده‌اند.

۱۲. ابو عبدالله محمد بن عبدالله ابن بطوطه، شافعی (م ۷۷۹ ه. ق)

او در کتاب «تحفة النظر فی غرائب الأمصار و عجائب الأسفار» می‌گوید:

وكان بدمشق من كبار الفقهاء الحنابلة تقي الدين بن تيمية كبير الشام، يتكلم في الفنون؛ إلا أن في عقله شيئاً ... وكنت إذ ذاك

۱- طبقات الشافعية، ج ۳، ص ۲۴۶.

۲- همان، ص ۲۴۷.

بدمشق، فحضرته يوم الجمعة وهو يعظ الناس على منبر الجامع ويذكرهم، فكان من جمله كلامه أن قال: إن الله ينزل إلى سماء الدنيا كنزولي هذا ونزل درجة من درج المنبر، فعارضه فقيه مالکی يعرف بابن الزهراء و انکر ما تکلم به، فقامت العامه إلى هذا الفقيه و ضربوه بالأیدی والنعال ضرباً كثيراً حتى سقطت عمامته، وظهر على رأسه شاشیه حریر، فانکروا علیه لباسها واحتملوه إلى دار عزالدین بن مسلم قاضی الحنابلہ، فأمر بسجنه وعززه بعد ذلك. فانکر فقهاء المالکیه والشافعیه ما کان من تعزیره... (۱)

در دمشق از بزرگان فقیهان حنبلی شخصی بود به نام تقی الدین بن تیمیه، از بزرگان شام که در تمام علوم سخن می گفت جز آنکه عقلش مشکل داشت ... من آن موقع در دمشق بودم و روز جمعه نزد او حاضر شدم در حالی که مردم را بر روی منبر مسجد جامع موعظه می کرد و آنها را تذکر می داد. از جمله کلماتش این بود که گفت: خداوند به آسمان دنیا فرود آید آن گونه که من می آیم. این را گفت و از پله‌های منبر پایین آمد. یکی از فقیهان مالکی به نام ابن الزهراء به مناقشه با او برآمد و آنچه را گفته بود انکار نمود، مردم بر این فقیه حمله کرده و او را با دست‌ها و کفش‌هایشان بسیار کتک زدند به حدی که عمامه از سرش افتاد و کلاه زیر آن که از جنس حریر بود نمایان شد و از او به جهت پوشیدن حریر انکار و اعتراض کردند و او (فقیه مالکی) را به خانه عزالدین بن مسلم

۱- تحفة النظار فی غرائب الأمصار، ابن بطوطه، ص ۵۲.

قاضی حنابله بردند. او دستور داد تا او را زندان کرده و بعد از آن شلاق بزنند. فقیهان مالکی و شافعی بر او به جهت این عمل اعتراض کردند ...

۱۳. تقی‌الدین ابوبکر بن محمد حسینی حصنی شافعی (م ۸۲۹ ه. ق)

او درباره ابن تیمیه می گوید:

ان ابن تیمیة الذی کان یوصف بانه بحر من العلم، لایستغرب فیہ ما قالہ بعض الأئمۃ عنہ من انه زندیق مطلق. وسبب قوله ذلك انه تتبع كلامه فلم يقف له على اعتقاد حتى انه في مواضع عديدة يكفر فرقة و يضلها، وفي آخر يعتقد ما قالته أو بعضه، مع ان كتبه مشحونة بالتشبيه والتجسيم، والإشارة إلى الازدراء بالنبي (ص) والشيخين وتكفير عبدالله بن عباس و انه من الملحدين، وجعل عبدالله بن عمر من المجرمين وانه ضال مبتدع ... (۱)

ابن تیمیه، کسی که به دریایی از علم توصیف می‌شد، و غریب به نظر نمی‌رسد آنکه برخی از امامان او را به زندیق مطلق یاد کرده‌اند. و سبب این گفتار درباره ابن تیمیه این است که کلام او پیگیری شده و به این نتیجه رسیده‌اند که او کسی است که در مواضع بسیاری فرقه‌ای را تکفیر کرده و به گمراهی نسبت داده است، و به برخی دیگر نسبت‌های ناروای دیگری داده است، در حالی که کتاب‌های او پر از اعتقاد به تشبیه و تجسیم و اهانت و تنقیص به

ص ۴۱

پیامبر (ص) و ابوبکر و عمر و تکفیر عبدالله بن عباس است و اینکه او از کافران است و عبدالله بن عمر را از مجرمان و گمراهان و بدعت گزاران معرفی کرده است ...

و نیز درباره ابن تیمیه می گوید:

والحاصل أنّه واتباعه من الغلاة فی التشیبه والتجسیم والازدراء بالنبی (ص) وبغیض الشیخین، ویا نکار الأبدال الذین هم خلفوا الأنبیاء، ولهم دواهی آخر لوظقوا بها لأحرقهم الناس فی لحظة واحدة ... (۱)

حاصل اینکه او و پیروانش از غالیان در تشبیه و تجسیم و اهانت به پیامبر (ص) و دشمنی با ابوبکر و عمر، و انکار شخصیت‌هایی که جانشینان انبیا بوده‌اند، می‌باشند که دارای انگیزه‌ها و اهداف دیگری هستند، و اگر از اهداف خود سخن بگویند مردم آنان را در یک لحظه به آتش می‌کشند

او همچنین در ردّ ابن تیمیه می‌نویسد:

لا أحد من الخلق أعظم برکة منه، ولا أوجب حقاً علينا منه، فالمعنی الذی فی زیارة قبره لایوجد فی غیره، ولا یقوم غیره مقامه، كما انّ المسجد الحرام لایقوم غیره مقامه، ومن ههنا شرع قصده بخصوصه، ویتعین، بخلاف غیره من القبور. (۲)

هیچ یک از خلائق از پیامبر (ص) پربرکت‌تر نبوده و او از همه کس بیشتر بر گردن ما حق دارد. لذا آثاری که در زیارت قبر اوست در

۱- دفع شبه من شبه وتمرد، ص ۴۰۱.

۲- شفاء السقام، ص ۸۷ به نقل از او.

ص ۴۲

غیر او یافت نمی‌شود و کسی همانند او نمی‌گردد، همان‌گونه که مسجدی همانند مسجد الحرام نمی‌باشد. بنابراین قصد سفر به سوی آن مشروع شده و متعین می‌باشد به خلاف غیر آن از قبرها.

همچنین می‌گوید:

فزيارة قبره (ص) مستحبه بعينها؛ لما ثبت فيها من الأدلة الخاصة. (۱)

پس زیارت قبر او به طور خصوص مستحب است به جهت ادله خاصی که در آن مورد ثابت شده است.

او همچنین می‌گوید:

أعلم أنه يجوز ويحسن التوسل والاستغاثة والتشفع بالنبي (ص) إلى ربه ... ولم ينكر أحد ذلك من أهل الأديان ولاسمع به في زمن من الأزمان حتى جاء ابن تيمية فتكلم في ذلك بكلام يلبس فيه على الضعفاء. (۲)

بدان که توسل و استغاثه و استشفاع به پیامبر (ص) جایز بوده و نیکوست و هیچ‌کس از اهل ادیان این امور را انکار نکرده و انکار آنها را در هیچ زمانی نشنیده است تا اینکه ابن تیمیه آمد، و درباره آن سخنی گفت که امر را بر عقول ضعیف که بر روی آنها غبار نشسته، مشتبه ساخت، و چیزی را بدعت گذاشت که در هیچ عصری بر هیچ‌کس مشتبه نبوده است.

وی در جای دیگر می‌نویسد:

هذا الرجل - یعنی ابن تیمیه - كنت رددت عليه في حياته في

۱- شفاء السقام، ص ۸۸.

۲- همان، ص ۱۵۳.

ص ۴۳

انکاره السفر لزيارة المصطفى (ص) و فی انکاره وقوع الطلاق إذا حلف به، ثم ظهر لی من حاله ما يقتضی أنه لیس مّمن يعتمد علیه فی نقل ینفرد به لمسارعته إلی النقل ... (۱)

این مرد را- یعنی ابن تیمیه- من در زمان حیاتش در مورد انکار سفر به جهت زیارت قبر مصطفی (ص) و انکار وقوع طلاق با قسم ردّ نمودم، آن گاه برای من درباره او روشن شد که نمی‌توان در نقل‌های او که به تنهایی آورده اعتماد نمود؛ زیرا او کسی است که در نقل مطالب سرعت به خرج داده است ...

همچنین در کتاب «الدرّة المضية» می‌نویسد:

أما بعد، فإنه لما احدث ابن تیمیه ما احدث فی اصول العقائد ونقض من دعائم الإسلام والأركان والمعاهد، بعد ان كان مستتراً بتبعیه الكتاب والسنة، مظهراً أنه داع إلى الحق هاد إلى الجنة، فخرج عن الاتباع إلى الابتداع، وشدّ عن جماعة المسلمين بمخالفة الإجماع ... (۲)

اما بعد، چون ابن تیمیه در اصول عقاید مطالبی را بدعت گذاشته و از پایه‌های اسلام، ارکان و مبانی را نقض کرده، بعد از آنکه خود را به عنوان پیرو کتاب و سنت معرفی کرده و اظهار می‌کرد که دعوت‌کننده به حق و هدایت‌کننده به بهشت است. لذا بدین جهت از پیروی خارج شده و داخل در عنوان بدعت‌گذار گشته و با مخالفت اجماع از جماعت مسلمانان خارج شده است ...

۱- فتاوی السبکی، ج ۲، ص ۲۱۰ به نقل از او.

۲- مقدمه الدرّة المضية، سبکی به نقل از او.

ص ۴۴

او درباره پیروان ابن تیمیه می‌گوید:

والرأى السخيف الذى أخذ به هؤلاء المبتدئ من التحاقه (ص) بالعدم، حاشاه من ذلك، يلزمه ان يقال: أنه ليس

رسول الله (ص) اليوم. (۱)

و رأی ناشایستی که این افراد مبتدی اخذ کرده که رسول خدا (ص) را ملحق به عدم می‌کنند- که رسول خدا (ص) از آن منزّه است- لازم‌اش آن است که او امروز فرستاده خدا نباشد.

وی می‌گوید:

بيان زندقه من قال: انّ روحه عليه الصلاة والسلام فنيت، وانّ جسده صار تراباً، وبيان زيغ ابن تيمية و حزبه. (۲)

بيان کفر کسی که گفته: روح رسول خدا علیه الصلاة والسلام فانی شده و جسد او خاک گشته است، و بیان گمراهی ابن تیمیه و حزب او.

او همچنین در ردّ ابن تیمیه می‌گوید:

فان هذا شأنه إذا وجد شيئاً لامساس فيه لما ابتدعه قال به وقبله ولم يطعن، وإذا وجد شيئاً على خلاف بدعته طعن فيه، وان اتفق على

صحته، ولا يذکر شيئاً على خلاف هواه و ان اتفق على صحته ... (۳)

او با این وضعیتی که دارد، چون چیزی را یابد که با بدعت‌های خودش که به آن معتقد شده منافاتی ندارد به آن قائل شده و قبول

۱- دفع شبه من شبه و ترمذ، ص ۶۵.

۲- همان، ص ۶۷.

۳- همان، ص ۷۴.

ص ۴۵

می‌نماید و هرگز بر آن ایراد نمی‌گیرد، ولی هرگاه چیزی بر خلاف بدعتش بیابد در آن طعن می‌زند گرچه بر صحت آن اتفاق باشد، و نیز چیزی را که بر خلاف هوای نفس او باشد ذکر نمی‌کند گرچه بر صحت آن اتفاق است.

او نیز درباره ابن تیمیه می‌گوید:

وهذا شأنه إن وجد شيئاً يوافق هواه وخبث طويته ذكره و وسع الكلام فيه وزخرفه، و ان وجد شيئاً عليه اهملة أو حملة على محمل يعرف به أهل النقل حملة و تدليسه عند تأمله ... (۱)

او وضعیتش این چنین است که هرگاه چیزی را که مطابق هوای نفس و خبث طینتش باشد ذکر کرده و درباره آن قلم‌فرسایی نموده و زینت می‌دهد، و اگر چیزی را بیابد که بر ضد اوست آن را رها کرده یا بر چیزی حمل می‌کند که اهل نقل با تأمل در آن می‌فهمند که عوام‌فریبی نموده است ...

۱۴. نجم‌الدین عمر بن حبی بن احمد سعدی شافعی (م ۸۳۰ ه. ق)

او که قاضی‌القضاء شافعی بوده در جواب سؤالی درباره ابن تیمیه می‌گوید:

هذا الرجل المسؤول عنه في الإستفتاء كان عالماً متعبداً، ولكنه ضلّ في مسائل عديدة عن الطريق المستقيم و المنهج القويم ... (۲)

این مردی که در این استفتاء از او سوال شده، شخصی عالم و متعبّد

۱- دفع شبه من شبه و تمرّد، ص ۱۱۳.

۲- الفتاوی السهمیه، ص ۴۵.

است ولی در مسایل بسیاری از راه راست و روش محکم گمراه شده است ...

۱۵. ابن حجر عسقلانی شافعی (ت ۸۵۲ ه. ق)

او در ترجمه ابن تیمیه در کتاب «الدرر الكامنه» می گوید:

ثم نسب أصحابه إلى الغلو فيه واقتضى له ذلك العجب بنفسه حتى زهى على أبناء جنسه واستشعر أنه مجتهد، فصار يرد على صغير العلماء وكبيرهم، قديمهم وجديدهم، حتى انتهى إلى عمر فخطاه في شيء، فبلغ ذلك الشيخ ابراهيم الرقي فأنكر عليه فذهب إليه واعتذر واستغفر وقال في حق علي اخطأ في سبعة عشر شيئاً... ومنهم من ينسبه إلى النفاق لقوله في علي ما تقدم، ولقوله: أنه كان مخذولاً حيثما توجه.

وأنه حاول الخلافة مراراً فلم ينلها وإنما قاتل للرياسة لا للديانة، ولقوله: أنه كان يحب الرياسة وأن عثمان كان يحب المال ... (۱)

اصحابش در شأن ابن تیمیه غلو کرده و این باعث عجب در او شد تا اینکه خود را از دیگران و هم نوعانش بالاتر برد و خیال کرد که مجتهد است. لذا در صدد ردّ بر کوچک و بزرگ، قدیم و جدید از علما برآمد، و حتی کارش به جایی رسید که متعرض عمر شده و نسبت اشتباه در برخی از امور به او داد. پس خبر آن به شیخ ابراهیم رقی رسید و بر او اعتراض نمود، ولی او به نزدش رفته و عذرخواهی کرد و استغفار نمود. او در حقّ علی می گوید: در هفده

۱- الدرر الكامنه، ابن حجر عسقلانی، ج ۱، ص ۱۴۴.

ص ۴۷

مورد اشتباه کرده است ... برخی او را به نفاق نسبت داده‌اند به جهت این مطلبی که در حق علی گفته است و اینکه گفته علی با کارهایش خوار شد، و اینکه او مکرر قصد خلافت کرد ولی به آن نرسید، و برای ریاست جنگید نه دیانت، و اینکه او ریاست را دوست می‌داشت و عثمان مال را ...

وی همچنین در کتاب رجالی دیگر خود درباره ابن تیمیه می‌گوید:

لکنه ردّ فی ردّه کثیراً من الأحادیث الجیاد التي لم يستحضر حالة التصنیف مظانّها، لانه کان لاتساعه فی الحفظ یتکل علی ما فی صدره و الإنسان عامد للنسیان. و کم من مبالغه لتوهین کلام الرافضی ادته احياناً إلى تنقیص علی (ع). (۱)

او در ردیه‌هایش بسیاری از احادیث خوب را از آنجا که مصادر آنها را ندیده بود رد کرده است؛ زیرا به جهت گستردگی حافظه‌اش بر آنچه در ذهنش بود اعتماد می‌نمود، ولی انسان در معرض نسیان است. و چه بسیار مواردی را که مبالغه‌اش در توهین کلام رافضی (ابن مطهر حلّی) او را به توهین علی (ع) کشانده است.

۱۶. احمد بن عمر بن عثمان خوارزمی دمشقی شافعی (ت ۸۶۸ ه. ق)

سخاوی درباره او می‌گوید:

وکان عالماً صالحاً دیناً مصرحاً بالحطّ علی الطائفیه العربیه بل واتباع ابن تیمیه بحیث انه قال مجیباً لمن سأله عن اعتقاده من المخالفین له: اعتقادی زیتونه مبارکه لاغربیه ابن عربی،

ولاشرقیه ابن تیمیه ... (۱)

او مردی عالم، صالح، و دیندار بوده و در تضعیف طائفیت عربی اهل صراحت لهجه بود؛ بلکه درباره پیروان ابن تیمیه، که در جواب سؤالی در مورد اعتقادش که با او مخالف بوده می‌گوید: اعتقاد من زیتون مبارکی است که نه غربی است مثل اعتقادات ابن عربی و نه شرقی مثل اعتقادات ابن تیمیه ...

۱۷. شهاب الدین احمد بن محمد قسطلانی (ت ۹۲۳ ه. ق)

وی درباره ابن تیمیه می‌گوید:

وللشیخ تقی الدین بن تیمیه هنا کلام شنیع عجیب یتضمّن منع شدّ الرحال للزیارة النبویة المحمّدیة، وأنّه لیس من القرب بل بضدّ ذلك، و ردّ علیه الشیخ تقی الدین السبکی فی (شفاء السقام) فشفی صدور المؤمنین. (۲)

شیخ تقی الدین ابن تیمیه در اینجا کلام زشت و عجیبی دارد که متضمّن منع سفر به جهت زیارت نبویه محمّدیه است، و اینکه عمل زیارت موجب قرب به خدا نیست بلکه موجب دوری از خداست. لذا شیخ تقی الدین سبکی در «شفاء السقام» آن را ردّ کرده و دل‌های مؤمنین را شفا داده است.

در «المواهب اللدنیة» نقل می‌کند:

وقد روی أنّ مالکاً لما سأله أبو جعفر المنصور العباسی: یا

۱- الضوء اللامع، ج ۲، ص ۵۴.

۲- المواهب اللدنیة، قسطلانی، ج ۴، ص ۵۷۴.

ص ۴۹

أبا عبد الله!

أستقبل رسول الله (ص) و ادعو أم استقبل القبلة وأدعو؟ فقال له مالك: ولم تصرف وجهك عنه وهو وسيلتك و وسيلة ابيك آدم (ع) إلى الله عزوجل يوم القيامة. (۱)

روایت شده که چون ابو جعفر منصور عباسی از مالک سؤال کرد: ای اباعبدالله! آیا رو به رسول خدا (ص) نمازیم و دعا کنیم، یا رو به قبله دعا نمازیم؟ مالک در جواب او گفت: چرا صورتت را از طرف حضرت برمی گردانی در حالی که او وسیله تو و وسیله پدرت آدم (ع) نزد خدای عزوجل در روز قیامت است.

او در ردّ ابن تیمیه که این قصّه را درباره مالک بن انس رد کرده می گوید:

ولكن هذا الرجل - ابن تیمیه - ابتدع له مذهباً وهو عدم تعظیم القبور، و أنّها أنّما تزار للترحم والإعتبار بشرط ان لا یشدّ إليها رحل، فصار كلّ ما خالفه عنده كالأصائل لايبالی بمايدفعه، فإذا لم يجد له شبهة واهية يدفعه بها بزعمه، انتقل إلى دعوى أنّه كذب علي من نُسب إليه، مجازفة وعدم نصفه، وقد انصف من قال فيه: علمه أكبر من عقله... (۲)

ولی این مرد - یعنی ابن تیمیه - مذهبی را بدعت گذاشته است که همان تعظیم نکردن قبرهاست، و اینکه تنها به جهت ترحم و عبرت گرفتن باید زیارت کرد به شرط آنکه به سوی آنها بار سفر بسته نشود. لذا تمام مخالفانش نزد او همانند کسی است که حمله کرده

و

۱- شرح المواهب اللدنیة، ج ۱۲، ص ۱۹۴.

۲- همان.

ص ۵۰

باکی ندارد که به چه وسیله‌ای او را دفع می‌کند. و چون- به گمان خود- شبهه سستی نداشته باشد تا به وسیله آن از خودش دفاع کند بی‌جهت و بدون انصاف به نسبت دادن به دروغ روی آورده است. و لذا منصفانه در حق او گفته‌اند که علمش از عقلش بیشتر است ...

۱۸. ابن حجر هیتمی شافعی (ت ۹۷۴ ه. ق)

وی درباره ابن تیمیه می‌گوید:

ابن تیمیه عبد خذله الله واضلّه واعماه واصمه واذلّه، وبذلك صرح الأئمة الذين بينوا فساد احواله وكذب اقواله ... ومن أراد ذلك فعليه بمطالعة كلام الإمام المجتهد المتفق على امامته وجلالته وبلوغه مرتبة الاجتهاد أبي الحسن السبكي وولده التاج والشيخ الإمام العز بن عبدالسلام جماعة وأهل عصرهم وغيرهم من الشافعية والمالكية والحنفية. ولم يقصر اعتراضه على متأخرى الصوفية بل اعترض على مثل عمر بن خطاب وعلى بن أبي طالب (ع) كما سيأتي. والحاصل ان لا يقام لكلامه وزن بل يرمى في كلّ وعر وحزن، ويعتقد فيه أنّه مبتدع ضالّ مضلّ جاهل غال، عامله الله بعدله و اجارنا مثل طريقته وعقيدته وفعله ... و اخبر عنه بعض السلف أنّه ذكر على بن أبي طالب (ع) في مجلس آخر فقال: انّ علياً اخطأ في اكثر من ثلاثمائة مكان، فياليت شعري من أين يحصل لك الصواب إذا اخطأ على بزعمك ... (۱)

ص ۵۱

ابن تیمیه بنده‌ای است که خداوند او را خوار و گمراه و کور و کر و ذلیل نموده است، و این مطلبی است که امامانی که فساد احوال و دروغ اقوالش را بیان کرده‌اند به آن تصریح نموده‌اند.... و کسی که می‌خواهد از آن اطلاع پیدا کند بر اوست که به کلام امام مجتهد که بر امامت و جلالتش و رسیدن به مرتبه اجتهادش اتفاق شده، یعنی ابوالحسن سبکی و فرزندش تاج و شیخ امام عز بن عبدالسلام جماعه و اهل عصرشان و غیر آنان از علمای شافعی و مالکی و حنفی مراجعه کرده و نوشته‌های آنها را مطالعه کند. او کسی بود که اعتراضش را بر متأخرین صوفیه محصور نکرد، بلکه بر امثال عمر بن خطاب و علی بن ابی طالب (ع) نیز همان گونه که به آن اشاره خواهیم کرد اعتراض نمود. حاصل اینکه کلام او هیچ ارزشی ندارد بلکه با کمال تأسف به دور انداخته می‌شود. و اعتقاد ما درباره او این است که او بدعت‌گذار و گمراه و گمراه‌کننده و جاهل و اهل غلو است. خداوند با او به عدالتش رفتار کند و ما را از مثل روش و عقیده و کردارش پناه دهد... از برخی سلف خبر داده شده که نزد او یادی از علی بن ابی طالب (ع) شد، او گفت: سیصد مورد اشتباه کرده است. ای کاش می‌دانستم که از کجا صواب به دست تو رسیده است اگر به گمان تو علی اشتباه کرده است...

او همچنین می‌نویسد:

وایاک ان تصغی الی ما کتب ابن تیمیة و تلمیذہ ابن قیم الجوزیة و غیرهما مِمَّن اتَّخَذَ إِلَهُهُ هَوَاهُ وَ أَضَلَّهُ اللَّهُ عَلٰی عِلْمٍ وَ خَتَمَ عَلٰی سَمْعِهِ وَ قَلْبِهِ وَ جَعَلَ عَلٰی بَصَرِهِ غِشَاوَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ

ص ۵۲

بَعْدَ اللَّهِ. و كيف تجاوز هؤلاء الملحدون الحدود وتعدوا الرسول وخرقوا سياج الشريعة والحقيقة، فظنوا بذلك أنهم على هدى من ربهم و ليسوا كذلك. (۱)

پرهیز از اینکه به نوشته‌های ابن تیمیه و شاگردش ابن قیم جوزیه و دیگران گوش فرا دهی، کسانی که خدای خود را هوای نفسشان قرار داده و آنها را با علمی که دارند گمراه نموده و بر گوش و قلبشان مهر نهاده و بر چشم‌هایشان پرده انداخته است. پس چه کسی او را بعد از خدا هدایت خواهد کرد؟ و چگونه این ملحدان از حدود تجاوز کرده و از دستورات پیامبر (ص) تعدی نموده و لباس شریعت و حقیقت را پاره کرده‌اند و با این کارشان گمان نموده‌اند که در راه هدایت پروردگارت در حالی که چنین نیستند. و نیز می‌گوید:

ولا يُعتر بانكار ابن تيمية لسنّ زيارته (ص)؛ فأنه عبد اضلّ الله كما قال العز بن جماعة و اطال في الردّ عليه التقى السبكي في تصنيف مستقل... (۲)

کسی نباید گول انکار ابن تیمیه در مورد سنت بودن زیارت رسول خدا (ص) را بخورد؛ زیرا او بنده‌ای است که خداوند او را گمراه کرده است، همان‌گونه که عز بن جماعة گفته و در ردّ بر او تقی سبکی در کتاب مستقلی اطاله کلام داده است ...

۱- الفتاوی الحدیثیة، ص ۲۰۳.

۲- حاشیة الايضاح، ص ۴۴۳.

ص ۵۳

او در جای دیگر می گوید:

من خرافات ابن تیمیة التي لم يقلها عالم قبله وصار بها بين أهل الإسلام مُثله، أنه انكر الإستغاثة والتوسل به (ص). (۱)

از جمله خرافات ابن تیمیه که هیچ عالمی قبل از او آن را معتقد نشده و به واسطه اعتقاد به آن در بین مسلمانان مورد سرزنش واقع شده اینکه او استغاثه و توسل به پیامبر (ص) را انکار نموده است.

او در ردّ ابن تیمیه در تحریم سفر به جهت زیارت قبر پیامبر (ص) می گوید:

وجه شمول الزيارة للسفر أنّها تستدعي الانتقال من مكان الزائر إلى مكان المزور، كلفظ المجيء الذي نصّت عليه الآية الكريمة ...

وإذا كانت كل زيارة قربه كان كل سفر إليها قربه ... والقاعدة المتفق عليها أنّ وسيلة القرية المتوقفة عليها قربه. (۲)

دلیل بر اینکه کلمه زیارت شامل سفر به جهت زیارت نیز می شود اینکه کلمه «زیارت» مستلزم انتقال از مکان زائر به طرف مکان مزور است، مثل لفظ «مגיע» که در آیه کریمه بر آن تصریح نموده است ... حال اگر هر زیارتی باعث تقرب باشد هر سفری به سوی زیارت نیز باعث تقرب خواهد بود ... و قاعده‌ای که همه بر آن اتفاق دارند این است که وسیله برای رسیدن به چیزی که باعث تقرب به خداست، آن نیز موجب تقرب است.

۱۹. شیخ رضوان عدل بیبرس شافعی (م ۱۳۰۳ ه. ق)

۱- الجوهرة المنظم، ص ۱۴۸.

۲- همان، ص ۲۳.

ص ۵۴

وی می گوید:

ثم ظهر بعد ابن تیمیة محمّد بن عبدالوهاب فی القرن الثانی عشر، وتبع ابن تیمیة وزاد علیه سخفاً وقبحاً، وهو رئیس الطائفة الوهابیة قبحهم الله، وتبرأ منه اخوه الشيخ سلیمان بن عبدالوهاب وكان من أهل العلم ... (۱)

آن گاه بعد از ابن تیمیه محمّد بن عبدالوهاب در قرن دوازدهم ظهور کرد که بر سخافت و قبح عقاید او افزود، و او رئیس طائفه وهابیه است که خداوند چهره آنان را قبیح گرداند. او کسی است که برادرش شیخ سلیمان بن عبدالوهاب از او تبرّی جست که مردی از اهل علم بود ...

۲۰. یوسف بن اسماعیل نبهانی شافعی (م ۱۳۵۰ هـ. ق)

وی می گوید:

إنّی اعتقد فی ابن تیمیة وتلمیذه ابن القیم وابن عبدالهادی أنّهم من ائمة الدین وأکابر علماء المسلمین، وقد نفعوا الأمة المحمّدیة بعلمهم نفعاً عظیماً و ان اسأوا غایة الاسائة فی بدعه منع الزیارة والاستغاثة، واضرّوا بها الإسلام والمسلمین اضراراً عظیماً، واقسم بالله العظیم أنّی قبل الإطلاع علی کلامهم فی هذا الباب فی شئون النبی (ص) لم أکن اعتقد انّ مسلماً یجترئ علی

ص ۵۵

ذلك وائی منذ أشهر اتفكر في ذكر عباراتهم فلا اتجاسر على ذكرها ولو للردّ عليها خوفاً من ان يكون سبباً في زياده نشرها لشدة فظاعتها ... (۱)

بدان که من در مورد ابن تیمیه و شاگردش ابن قیم و ابن عبدالهادی معتقدم که از امامان دین و بزرگان علمای مسلمانان بوده‌اند که امت محمّدی را با علم خود نفع عظیمی دادند، گرچه در بدعت منع زیارت و استغاثه نهایت اسائه ادب را نموده، و به اسلام و مسلمانان ضررهای بزرگی وارد کرده‌اند. به خدای بزرگ قسم یاد می‌کنم که قبل از اطلاع پیدا کردن از کلام آنان در این باب در شتون رسول خدا (ص)، گمان نمی‌کردم که مسلمانی چنین جرأتی داشته باشد، و در مدت چند ماه در ذکر عبارات آنها تفکر می‌کردم و جرأت بر نقل آنها را نداشتم، گرچه برای ردّ کردن بر آنها؛ چون می‌ترسیدم سبب زیادی نشر آنها به جهت شدت افتضاح آنها شوم ...

۲۱. شیخ سلامه قضاعی عزامی شافعی (م ۱۳۷۶ ه. ق)

او در ردّ ابن تیمیه می‌گوید:

والعجب أنّك ترى امام المدافعين عن بيضة أهل التشبيه وشيخ إسلام أهل التجسيم مَمّن سبقه من الكرامية و جهلة المحدثين الذين يحفظون وليس لهم فقه فيما يحفظون، أحمد بن عبدالحليم المعروف بابن تيمية، يرمى إمام الحرمين و حجة الإسلام الغزالي

ص ۵۶

بأنهما أشد كفرةً من اليهود والنصارى... (۱)

عجیب اینکه تو امام مدافعان از حیثیت اهل تشبیه و شیخ اسلام اهل تجسیم از کرامیه سابق و محدثان جاهل را مشاهده می کنی که حفظ حدیث می کنند در حالی که در آن چه حفظ می نمایند فهم و تأمل ندارند. او که احمد بن عبدالحلیم معروف به ابن تیمیه است، امام الحرمین و حجت الاسلام غزالی را متهم می سازد که کفرشان از یهود و نصارا شدیدتر است ...

۲۲. نجم الدين محمد امين كردى شافعى (م ۱۴۰۰ هـ. ق)

وی می گوید:

فقد نجمت في القرون الماضية بين أهل الإسلام بدع يهودية من القول بالتشبيه والتجسيم والجهة والمكان في حق الله تعالى، مما عملته أيدي أعداء الإسلام تنفيذاً لحقدهم عليه، ودخلت الغفلة على بعض أهل الإسلام ...

حتّى إذا كانت أوائل القرن الثامن أخذت هذه البدع تنتعش إلى أخوات لها لا تقل عنها خطراً على يد رجل يدعى أحمد بن عبدالحليم بن تيمية الحراني، فقام العلماء من أهل السنة والجماعة في دفعها حتّى لم يبق في عصره من يناصره إلّا من كان له غرض أو في قلبه مرض ... (۲)

در قرن های پیشین بین اهل اسلام بدعت های یهودی از قبیل قول به

۱- فرقان القرآن، سلامه قضاعی، ص ۶۱.

۲- مقدمه کتاب فرقان القرآن، ص ۲.

ص ۵۷

تشبیه و تجسیم و اعتقاد به جهت و مکان در حق خدای متعال وجود داشته که از ساخته و پرداخته‌های دشمنان اسلام بوده است، تا کینه خود را بر ضد اسلام محکم سازند، در حالی که برخی از اهل اسلام از آنها غافل بوده‌اند ...

تا اوایل قرن هشتم که این بدعت‌ها به صورت دیگری شبیه آنها صورت به خود گرفت که خطر آنها کمتر از کارهای یهود نبوده است. این کارها به دست فردی به نام احمد بن عبدالحلیم بن تیمیه حرّانی انجام گرفت، که علمای اهل سنت و جماعت در مقابل آنها قیام کردند، به طوری که در عصر او کسی باقی نماند تا او را یاری و نصرت کند مگر کسی که دارای غرض بوده و یا در قلبش مرض بوده است ...

۲۳. حسن بن علی سقاف شافعی

او درباره برخورد تند ابن تیمیه با حضرت زهرا (س) می گوید:

بعض ذلك ذكره في منهاج سننه (۲/ ۱۶۹) و ذكره بطريقه ملتويه عرجاء، وتظاهر في بعض تلك الجمل بمدحها و أنها سيدة نساء العالمين، وليس وراء قوله (عامله الله بما يستحق) إلا الطعن والذم!! وليس له مخرج عندنا من هذه الورطة، ولانقبل الدفاع عنه، وتأويل بعض كلماته هناك بأى وجه!! فهو ناصبي خبيث و مجسّم بغیض؛ شاء المخالفون أم أبوا. (۱)

برخی از این مطالب را در «منهاج السنه ج ۲، ص ۱۶۹» آورده و با

طریق پیچیده و متزلزل آن را ذکر کرده و در برخی از آن جمله‌ها، حضرت را مدح نموده و اینکه او بهترین زنان عالم است، ولی هدف او از این کلمات جز طعن و مذمت حضرت نیست. خداوند با او به آنچه مستحق است معامله کند. و برای او نزد ما راهی برای خروج از این گرفتارش نیست و هرگز دفاع از او و تأویل برخی از کلماتش را به هیچ وجه نمی‌پذیریم؛ پس او شخصی ناصبی و خبیث است که خداوند را جسم دانسته و عداوت دارد، مخالفان این مطلب بخواهند یا نخواهند.

۲۴. طارق بن محمد بن عبدالرحمان جباوی سعدی شافعی

او که از علمای شهر صیدای لبنان است چهار کتاب در ردّ ابن تیمیه تألیف کرده که یکی از آنها «کشف المین فی شرح الحرائی لحدیث ابن حصین» است. او در مقدمه آن کتاب می‌گوید:

فهذا کتاب اسمیته (کشف المین) أی الکذب بیئت فیه بهتان ابن تیمیة الحرائی وافترائه علی العقل والنقل ... وذلك بعد اطلاعی المفصّل علی کتبه کمجموع الفتاوی، و درء التعارض، ومنهاج السنه، والصفدیة و غیرها ممّا نقلنا بعض نصوصه فیها علی قدم نوع العالم فی کتاب (کشف الزلل) الذی فصلنا فیه مذهبه ورددنا علیه... (۱)

این کتاب را به اسم (کشف المین) یعنی دروغ نامیدم و در آن تهمت

ص ۵۹

ابن تیمیه حرّانی و نسبت‌های ناروایش را به عقل و نقل بیان کردم ... و این بعد از اطلاع مفصل من از کتاب‌های او همچون (مجموع الفتاوی) و (درء التعارض) و (منهاج السنّه) و (الصفدیّه) و دیگر کتاب‌های اوست که برخی از نصوص آن را نقل کردیم و از آن جمله اعتقاد به قدیم بودن نوع عالم در کتاب (کشف الزلل) است که در آن به طور مفصل مذهبش را تفصیل داده و آن را ردّ نموده‌ایم ...

وی همچنین درباره ابن تیمیه می‌گوید:

فاسأل الله تعالى كشف بصيرة اتباعه فضلا عن المغبونين والمغترين به إلى الحق، ليعرفوا مكانة هذا المبتدع على التحقيق، وأنه ليس إلّا مارق زنديق، ليس فيما انفرد فيه إلّا بدعة الضلالة وفرقة الجماعة. (۱)

از خداوند متعال می‌خواهم که چشم بصیرت به پیروان او دهد و آنان را به حق هدایت کند، تا چه رسد به کسانی که مغبون شده و گول حرف‌های او را خوردند، تا جایگاه این بدعت‌گذار را به خوبی بدانند و اینکه او جز فردی خارج شده از دین و کافر نیست، و در اعتقادات منفرد و شادّش تنها بدعت‌گذار و گمراه بوده و از جماعت مفارقت کرده است.

۲۵. محمود سعید ممدوح شافعی

او که از محدثان معاصر اهل سنت است، درباره تضعیف ابن تیمیه نسبت به روایات زیارت قبر پیامبر (ص) می‌نویسد:

۱- خاتمه کتاب «کشف المین».

ص ٦٠

وهذا خطأ منه و تسرع. وخصومات ابن تيمية اوقعتة في مثل هذه العبارات. وقد كتبت جزءاً في الأحاديث التي ينكرها في فضائل آل البيت:، وهي ثابتة في رده على الرافضى، وقد بلغ بابن تيمية الشطط في فضائل آل البيت إلى ان ضعف حديث «الموالاة» وهو متواتر. وقال عن حديث (أنت ولي كل مؤمن) كذب، (الرد على الرافضى ٤/ ١٠٤) وهو على شرط مسلم، وأخرجه امامه أحمد بن حنبل في مسنده (٤/ ٤٣٧) و الطيالسى (٨٢٩) و الترمذى (٥/ ٢٦٩)، و صححه ابن حبان (٦٩٢٩) و الحاكم (٣/ ١١٠).

وقال عن حديث ابن عمر (ما كنا نعرف المنافقين على عهد رسول الله (ص) إلّا ببغضهم علياً). قال (٣/ ٢٢٨): هذا الحديث لا يستريب أهل المعرفة بالحديث أنه موضوع مكذوب.

وهو حديث صحيح. ففي صحيح مسلم (٧٨) وغيره: أنه لعهد النبي الأمى (ص) إلّا يحبني إلّا مؤمن ولا يبغضني إلّا منافق. وأخرج امامه أحمد بن حنبل في الفضائل (٩٧٩) باسناد على شرط البخارى عن أبى سعيد الخدرى، قال: أئما كنا نعرف منافقى الأنصار ببغضهم علياً.

وفي مسند البزار (زوائده ٣/ ١٦٩) باسناد حسن عن جابر قال: ما كنا نعرف منافقينا معشر الأنصار إلّا ببغضهم لعلى.

وقال رجل لسلمان: ما اشدّ حبك لعلى؟ قال: سمعت نبي الله (ص) يقول: (من احبّه فقد احبني). قال ابن تيمية (٣/ ٩): كذب.

قلت: بل صحيح لغيره، فله طريق حسن في المستدرک (٣/ ١٣٠)، وآخر في المعجم الكبير للطبرانى (٢٣/ ٣٨٠ / ٩٠١) عن ام سلمة،

ص ۶۱

قال عنه الهیثمی فی المجمع (۹/ ۱۳۲): و اسناده حسن.

وحدیث: (یا علی! حربی حربک و سلمی سلمک) قال ابن تیمیة (۲/ ۳۰۰): (هذا کذب موضوع علی رسول الله (ص) و لیس فی شیء من کتب الحدیث المعروفة، ولا روی باسناد معروف).

قلت: هذه جرأة وأخرجه امامه أحمد فی فضائل الصحابة (۱۳۵۰)، وأخرجه الحاكم (۳/ ۱۴۹) من طریق الإمام احمد، وله شاهد حسن أخرجه الترمذی (۵/ ۶۹۹)، والحاكم (۳/ ۱۴۹) والطبرانی (۳/ ۱۴۹).

حدیث (إن الله أوحى إلى أنه يحب أربعة من أصحابی وأمرنی بحبهم. فقیل: من هم یا رسول الله؟ قال: علی سیدهم، وسلمان، والمقداد، وأبوذر).

قال ابن تیمیة (۳/ ۱۷۳): ضعيف بل موضوع، و لیس له اسناد یقوم به.

قلت: أخرجه امامه أحمد بن حنبل فی المسند (۵/ ۳۵۱)، والترمذی (۳۷۱۸)، و ابن ماجه (۱۴۹). وحسنه الترمذی، وله شاهد... (۱)

و این خطایی است از او و سرعت داشتن در تضعیف احادیث، و دشمنی های ابن تیمیه او را در مثل این گونه عبارات انداخته است، و من کتاب مستقلی را درباره احادیث فضایل اهل بیت: که ابن تیمیه آنها را انکار کرده نوشته ام، احادیثی که همگی ثابت اند ولی او در مخالفت با رافضی - علامه حلّی - آنها را رد کرده است.

۱- رفع المنارة لتخريج احادیث التوسل و الزیارة، ممدوح، صص ۲۰-۲۱.

ص ۶۲

و کار ابن تیمیه به جایی رسیده که حرف‌های نامربوطی درباره فضایل آل بیت پیامبر (ص) زده است، به حدی که حدیث «موالات» متواتر را تضعیف کرده است. و درباره حدیث (انت ولی کل مؤمن) در کتاب (الردّ علی الرافضی ۴/۱۰۴) گفته: دروغ است در حالی که شرط صحت نزد مسلم را دارد، و امام او احمد بن حنبل آن را در مسندش (۴/۴۳۷) و طیالسی (۸۲۹) و ترمذی (۵/۲۶۹) نقل کرده، و ابن حبان (۶۹۲۹) و حاکم (۳/۱۱۰) آن را تصحیح نموده‌اند.

و درباره حدیث ابن عمر (ما منافقان در عصر رسول خدا (ص) را تنها با بغض علی می‌شناختیم) گفته: در این حدیث اهل معرفت به حدیث شک نکرده‌اند که جعلی و دروغ است (۳/۲۲۸)، در حالی که حدیثی است صحیح؛ زیرا در صحیح مسلم (۷۸) و دیگر کتاب‌ها آمده است که حضرت علی (ع) فرمود: (این همان عهد پیامبر امّی است که دوست ندارد مرا مگر مؤمن، و دشمن ندارد مرا مگر منافق).

و نیز امامش احمد بن حنبل در (الفضائل ۹۷۹) با سندی که شرط بخاری را دارد از ابوسعید خدری نقل کرده که گفت: (ما منافقان انصار را با بغض علی می‌شناختیم).

و در مسند بزار (زوائدش ۳/۱۶۹) با اسناد حسن از جابر نقل کرده که گفت: (ما منافقان جماعت انصار را تنها با بغضشان نسبت به علی می‌شناختیم).

و مردی به سلمان گفت: چه چیز باعث شده که تا این اندازه علی را

ص ۶۳

دوست داری؟ او گفت: از رسول خدا (ص) شنیدم که فرمود: (هر کس او را دوست بدارد به طور حتم مرا دوست داشته است).

ابن تیمیه می گوید: این حدیث دروغ است ۹/۳.

من می گویم: بلکه این حدیث به جهت شواهد و متابعات آن صحیح می باشد و برای آن طریق خوبی در مستدرک (۳/۱۳۰) است، و طریق دیگری در (المعجم الکبیر) طبرانی (۲۳/۳۸۰/۹۰۱) از ام سلمه می باشد که هیشمی در مجمع الزوائد (۹/۱۳۲) با سند حسن آورده است.

و حدیث (ای علی! جنگ با من، جنگ با تو و صلح با من، صلح با تو است) را ابن تیمیه کذب دانسته که به دروغ به پیامبر (ص) نسبت داده شده و در هیچ یک از کتاب های معروف و نه به اسناد معروفی روایت شده. (۲/۳۰۰).

من می گویم: این جرأتی است از او، در حالی که امامش احمد در (فضائل الصحابه) (۱۳۵۰) و حاکم (۳/۱۴۹) از طریق امام احمد تخریج کرده اند، و نیز شاهد خوبی دارد که ترمذی (۵/۶۹۹) و حاکم (۳/۱۴۹) و طبرانی (۳/۱۴۹) برای آن نقل کرده اند. حدیث: (همانا خداوند به من وحی نمود که او چهار نفر از اصحابم را دوست دارد و مرا مأمور به محبت آنها کرده است. به حضرت گفته شد: آنان کیانند ای رسول خدا؟ حضرت فرمود: علی که سرور آنان است، و سلمان و مقداد و ابوذر). ابن تیمیه (۳/۱۷۳) درباره آن می گوید: ضعیف بلکه جعلی است، و سندی که به آن قیام پیدا کند ندارد.

ص ۶۴

من می‌گویم: این حدیث را امامش احمد بن حنبل در مسند (۳۵۱ / ۵) و ترمذی (۳۷۱۸) و ابن ماجه (۱۴۹) نقل کرده و ترمذی آن را حسن شمرده و برای آن شاهی است ...

دوم: دیدگاه علمای حنفی درباره ابن تیمیه

۱. قاضی القضاة شمس‌الدین ابوالعباس احمد بن ابراهیم سروجی حنفی (م ۷۱۰ هـ. ق)

ابن تغردی بردی درباره او می‌گوید:

كان بارعاً في علوم شتى وله اعتراضات على ابن تيمية في علم الكلام. (۱)

او در علوم متعددی تخصص داشت و نیز اعتراضاتی را بر ابن تیمیه در علم کلام وارد کرده است.

ابن حجر عسقلانی درباره او می‌گوید:

ومن تصنيفاته: الرد على ابن تيمية، وهو فيه منصف متأدب صحيح الباحث. (۲)

از تصنیفات او، کتاب (الرد علی ابن تیمیه) است که در آن منصفانه و مؤدبانه و به طور صحیح بحث کرده است.

۲. ملا علی بن سلطان محمد قاری هروی حنفی (م ۱۰۱۴ هـ. ق)

او در «شرح کتاب الشفا» می‌گوید:

وقد فرط ابن تيمية من الحنابلة حيث حرم السفر لزيارة

۱- النجوم الزاهرة، ابن تغری، ج ۹، ص ۲۱۳.

۲- رفع الإصر عن قضاة مصر، ابن حجر، ص ۴۲.

ص ۶۵

النبی (ص) ... (۱)

ابن تیمیه از حنابله کوتاهی کرده و سفر به جهت زیارت پیامبر (ص) را تحریم کرده است ... او نیز می‌گوید:

وقد افراط ابن تیمیه من الحنابلة حيث حرم السفر لزيارة النبي (ص)، كما افراط غيره، حيث قال: كون الزيارة قربة معلوم من الدين بالضرورة، وجهده محكوم عليه بالكفر، ولعل الثاني أقرب إلى الصواب؛ لأنّ تحریم ما أجمع العلماء فيه بالإستحباب يكون كفراً، لأنّه فوق تحریم المباح المتفق عليه في هذا الباب. (۲)

ابن تیمیه از حنابله در تحریم سفر به جهت زیارت پیامبر (ص) افراط کرده است همان‌گونه که غیر او نیز افراط کرده آنجا که گفته: زیارت از امور قربی است که در دین ضروری بودنش معلوم است و کسی که آن را انکار کند کافر می‌باشد، و شاید قول دوم به صواب نزدیک‌تر باشد؛ زیرا تحریم عملی که اجماع علما بر استحباب آن است کفر می‌باشد؛ به جهت آنکه او فوق تحریم مباح است که در این باب اتفاق است.

۳. ابوالحسنات محمد عبدالحی لکنوی حنفی (م ۱۳۰۴ ه. ق)

او می‌گوید:

مسألة زيارة خير الأنام عليه الصلاة والسلام كلام ابن تیمیه فيها

۱- شرح الشفا، ملاعلی قاری، ج ۲، ص ۱۵۲.

۲- شواهد الحق، نبهانی، ص ۱۷۷ به نقل از او.

ص ۶۶

من أفاحش الكلام؛ فإنه يحرم السفر لزيارة قبر الرسول (ص) ويجعله معصية، و يحرم نفس زيارة القبر النبوي أيضاً ... (۱)

کلام ابن تیمیه در مسأله زیارت بهترین مردم- علیه الصلاة والسلام- در آن از زشت‌ترین کلمات است؛ زیرا او سفر به جهت زیارت قبر پیامبر (ص) را تحریم کرده و آن را معصیت دانسته و نفس زیارت قبر پیامبر (ص) را نیز تحریم کرده است ...

۴. محمد بن محمد علاء بخاری حنفی

او درباره ابن تیمیه می گوید:

كان يُسأل عن مقالات ابن تيمية التي انفرد بها فيجيب بما ظهر له من الخطأ، وينفر عنه قلبه إلى ان استحکم ذلك عليه، فصرح بتبديعه ثم تكفيره، ثم صار يصرح في مجلسه انّ من اطلق على ابن تيمية أنه شيخ الإسلام فهو بهذا الإطلاق كافر ... (۲)

از او درباره سخنان ابن تیمیه که منفرد به آن بوده سؤال می شد و او جواب می داند که در آنها خطا و اشتباه کرده است. او قلبش از ابن تیمیه متنفر بود تا اینکه بر این امر استحکام یافت. لذا تصریح به بدعت گذاری او نمود و سپس او را تکفیر کرد. و کار او به جایی رسید که در مجلسش تصریح کرد به اینکه هر کس بر ابن تیمیه لقب «شیخ الاسلام» را اطلاق کند با این کارش کافر خواهد شد ...

۵. ابوحامد بن مرزوق

۱- سعادة الدارين في الردّ على الفرقتين، ابراهيم سمنودي، ج ۱، ص ۱۷۳.

۲- البدر الطالع، محمد بن علي شوکانی، ج ۲، ص ۱۳۷.

ص ۶۷

او درباره ابن تیمیه می گوید:

أنه مسارع فی تکفیر من خالفه، سواء أقام الدلیل علی التکفیر أم لم یقم علیه دلیل، وأنّ کلّ من خالفه ولم ینقد إلی رأیه وقوله فماله إلی التکفیر والتشہیر والتحقیر. (۱)

او در تکفیر مخالفانش سرعت به خرج می داد چه بر تکفیر او دلیل اقامه کرده باشد یا خیر، و اینکه هرکس که مخالف او شد و تسلیم رأی و قولش نشد بازگشت او به تکفیر و بدنامی و تحقیر است.

او نیز درباره پیروان ابن تیمیه می گوید:

قد اعتقدوا انّ کلّ ما فیہ اجلاله (ص) من قول أو فعل فهو شرک وعبادة له من قائله، فسجلوه علی أنفسهم للعالم الإسلامی أنهم موتورون منه (ص)، یسوءهم ما فیہ توقیره ویسرههم ما فیہ انتهاک حرمته (ص). (۲)

آنان معتقدند هر آنچه که در آن از قول یا فعل، تجلیل پیامبر (ص) است، شرک بوده و در حقیقت عبادت او به حساب می آید. آنان بر خود ثابت کرده و در عالم اسلامی خود را این گونه معرفی کرده اند که هر چه موجب تعظیم پیامبر (ص) باشد آنان را ناراحت نموده و هر آنچه که باعث هتک حرمت آن حضرت شود آنان را مسرور می نماید.

۶. خلیل احمد سهارنفوری حنفی (م ۱۳۴۶ ه. ق)

۱- براءة الأشعریین، ابو حامد بن مرزوق، ص ۲۵۴؛ شفاء السقام، سبکی، ص ۱۳۲؛ المقالات السنیة، ص ۱۳۳.

۲- التوسل بالنبی ص، ابو حامد بن مرزوق، صص ۱۰۳ و ۱۱۳.

در سؤالی کہ از ایشان شدہ چنین آمدہ است:

ما قولکم فی شدّ الرحال إلی سید الکائنات علیہ أفضل الصلوات والتحيّات وعلى آله وأصحابه، أی الأمرين أحبّ إليکم وأفضل لدي أكابرکم وللزائر: هل ينوي وقت الإرتحال للزيارة زيارته (ع) أو ينوي المسجد أيضاً، وقد قال الوهابية أنّ المسافر إلی المدينة لا ينوي إلاً المسجد النبوي؟

نظر شما درباره سفر به جهت زیارت آقای جهانیان بر او و بر آل و اصحابش بهترین صلوات و تحیات باد، چیست؟ کدامیک از این دو امر نزد شما بهتر و افضل است برای زیارت کننده: اینکه هنگام حرکت به جهت زیارت نیت زیارت حضرت (ع) نماید یا نیت مسجد را نیز بنماید؛ زیرا وهابیان می گویند: مسافر به سوی مدینه تنها باید نیت مسجد نماید؟

ایشان در جواب سؤال فوق می نویسد:

عندنا وعند مشايخنا زيارة قبر سيد المرسلين (روحي فداه) من أعظم القربات وأهمّ المثوبات وانجح لنيل الدرجات، بل قريبه من الواجبات، و ان كان حصوله بشدّ الرحال وبذل المهج والأموال، وينوي وقت الإرتحال زيارته عليه الف الف تحية وسلام. ينوي معها زيارة مسجده (ص) وغيره من البقاع والمشاهد الشريفة بل الأولى ما قال العلامة الهمام ابن الهمام ان يجرد التية لزيارة قبره عليه الصلاة والسلام ثم يحصل له إذا قدم زيارة

المسجد؛ لأن فی ذلك زیادة تعظیمه و اجلاله (ص). و یوافقہ قوله (ص): من جاءنی زائراً لا تحمله حاجة إلاً زیارتی کان حقاً علی ان اکون شفیعاً له یوم القیامة. و کذا نقل عن العارف السامی الملاً جامی أنه افرز زیارة عن الحج، وهو اقرب إلی مذهب المحبّین ... (۱)

نزد ما و علمای ما زیارت قبر سید رسولان- روحم به فدای او باد- از بزرگ‌ترین قربت‌ها و مهم‌ترین کارهایی است که صواب داشته و برای رسیدن به درجات مفید بلکه نزدیک به واجبات است، گرچه دسترسی به آن همراه با بستن بار سفر و بذل خون دل و اموال باشد. و او باید هنگام حرکت، نیت زیارت قبر پیامبر (ص) کند- که هزاران هزار درود و سلام بر او باد- و نیز همراه آن قصد زیارت مسجد او و دیگر بقعه‌ها و مشاهد شریف را نماید، بلکه سزاوارتر از آن چیزی است که علامه همام فرزند همام گفته که باید نیتش را برای زیارت قبر حضرت خالص گرداند، و چون به زیارت حضرت آمد مسجد را نیز زیارت نماید؛ چرا که در این کار تعظیم و تجلیل بیشتری نسبت به او بوده و با گفتار پیامبر (ص) موافق است که فرمود: (هرکس که فقط به جهت زیارت من بیاید بر عهده من است که در روز قیامت شفیع او گردم). و نیز از عارف بزرگوار ملاً جامی نقل شده که زیارت را از حج جدا کرده است و این به مذهب محبّان نزدیک‌تر است

ص ۷۰

وی همچنین می نویسد:

عندنا وعند مشايخنا يجوز التوسل في الدعوات بالأنبياء والصالحين من الأولياء والشهداء والصدّيقين في حياتهم وبعد وفاتهم؛ بان يقول في دعائه: أَللّهُمَّ إِنِّي أَتُوسَلُ إِلَيْكَ بِفُلَانٍ أَنْ تَجِيبَ دَعْوَتِي وَتَقْضِيَ حَاجَتِي إِلَى غَيْرِ ذَلِكَ كَمَا صَرَّحَ بِهِ شَيْخُنَا وَمَوْلَانَا الشَّاهِ مُحَمَّدَ اسْحَاقَ الدَّهْلَوِي... (۱)

نزد ما و علمای ما توَسَّل به انبیا و صالحان از اولیا و شهدا و صدیقین چه در زمان حیات آنها و چه در زمان مرگشان هنگام دعاها جایز است؛ به اینکه انسان در دعایش بگوید: بارخدایا! من فلان شخص را نزد تو وسیله قرار می دهم تا دعایم را اجابت کنی و حاجتم را برآوری، همان گونه که به این مطلب شیخ ما و مولای ما شاه محمد اسحاق دهلوی تصریح کرده است ... او درباره «حیات برزخی» می گوید:

عندنا وعند مشايخنا، حضرة الرسالة (ص) حی فی قبره الشریف و حیاته دنیویة من غیر تکلیف، وهی مختصة به (ص) وجميع الأنبياء صلوات الله عليهم و الشهداء لابرزخية كما هي حاصلة لسائر المؤمنين، بل جميع الناس، كما نصّ عليه العلامة السيوطي في رسالته (انباء الأذكياء بحياة الأنبياء)، حيث قال: قال الشيخ تقي الدين السبكي: حياة الأنبياء و الشهداء في القبر كحياتهم في الدنيا، ويشهد له صلاة موسى (ع) في قبره؛ فإن الصلاة تستدعي جسداً

ص ۷۱

حیاً ... فثبت بهذا ان حیاة دنیویۃ برزخیۃ؛ لکونها فی عالم البرزخ... (۱)

نزد ما و علمای ما رسول اکرم (ص) در قبر شریفشان زنده است و حیات او دنیوی است بدون آنکه تکلیفی داشته باشد و این مختص به وجود آن بزرگوار و تمام انبیا- صلوات الله علیهم- و شهداء است، نه آنکه حیات آنها همانند سایر مؤمنین بلکه تمام مردم برزخی باشد، همان گونه که علامه «سیوطی» در رساله «انباء الأذکیاء بحیاء الأنبیاء» بر آن تصریح کرده آنجا که از قول تقی الدین سبکی نقل کرده که گفت: زندگی انبیا و شهدا در قبر همانند زندگی آنان در دنیا است، و شاهد آن نماز موسی (ع) در قبرش می باشد؛ زیرا نماز خواندن مستلزم بدنی زنده است ... و به این مطلب ثابت شد که حیات پیامبر (ص) دنیوی برزخی است؛ زیرا که در عالم برزخ می باشد ...

او همچنین می گوید:

... روی ابوحنیفه عن ابن عمر انه قال: من السنه ان تأتي قبر رسول الله (ص)، فتستقبل القبر بوجهك ثم تقول: ألسلام عليك أيها النبی ورحمة الله وبركاته ... (۲)

... ابوحنیفه از ابن عمر نقل کرده که گفت: از جمله سنتها آن است که به زیارت قبر رسول خدا (ص) بیایی و رو به قبر او کنی آن گاه بگویی: سلام بر تو ای پیامبر و رحمت و برکات خدا بر تو باد ...

۱- عقائد اهل السنه و الجماعه، صص ۸۸-۸۹.

۲- همان، صص ۹۰-۹۱.

وی همچنین در پاسخ به سؤالی درباره محمد بن عبدالوهاب می‌نویسد:

... اتباع محمد بن عبدالوهاب الذین خرجوا من نجد وتغلبوا علی الحرمین وکانوا یتتحلون مذهب الحنابلہ، لکنهم اعتقدوا أنهم هم المسلمون و ان من خالف اعتقادهم مشرکون واستباحوا بذلك قتل اهل السنه و قتل علماءهم حتی کسر الله شوکتهم... (۱)

پیروان محمد بن عبدالوهاب که از نجد خروج کرده و بر حرمین غلبه پیدا نمودند کسانی هستند که مذهب حنابله را به خود نسبت دادند، ولی معتقدند که تنها خودشان مسلمانند و هر کسی که مخالف اعتقادشان است مشرک می‌باشد، و از این طریق کشتن اهل سنت و علمای اسلامی را جایز دانسته‌اند، تا اینکه خداوند شوکت آنان را خورد کرد ...

۷. احمد علی محدث سهارنفوری حنفی

او که شاگرد شاه محمد اسحاق دهلوی است در رد عقیده وهابیان به حرمت مولودی خوانی می‌گوید:

ان ذکر الولاده الشریفه لسیدنا رسول الله (ص) بروایات صحیحه فی اوقات خالیه عن وظائف العبادات الواجبات و بکیفیات لم تکن مخالفه عن طریقہ الصحابه و اهل القرون الثلاثه المشهود لها بالخیر و بالاعتقادات التي لم تكن موهمة بالشرك و البدعة و بالآداب التي لم تكن مخالفه عن سیره الصحابه التي هي مصداق قوله (ص): (ما أنا عليه و اصحابي) و فی مجالس خالیه عن

المنکرات الشرعیة، موجب للخیر والبرکة... (۱)

همانا ذکر ولادت شریف آقای ما رسول خدا (ص) همراه با روایات صحیح، در اوقاتی که خالی از وظایف عبادات واجب و با روشی که مخالف روش صحابه و اهل سه قرن اول که شهادت به خیر آنها داده شده و همراه با اعتقاداتی که موهم شرک و بدعت نباشد و نیز آدابی که مخالف با سیره صحابه که مصداق گفتار رسول خدا (ص) است که فرمود: (آنچه من و اصحابم بر آن است) و نیز در مجالسی که خالی از منکرات شرعی است، این عمل موجب خیر و برکت می‌باشد ...

۸. مصطفی بن عبدالله قسطنطنی حنفی معروف به حاجی خلیفه

وی می‌گوید:

ذکر ابن تیمیة فی کتابه (کتاب العرش و صفته): إن الله تعالى يجلس على الكرسي، وقد اخلى مكاناً يقعد فيه رسول الله (ص). (۲)
ابن تیمیة در کتابش به نام (کتاب العرش و صفته) ذکر کرده که خداوند متعال بر روی کرسی می‌نشیند و مکانی را به جهت نشستن رسول خدا (ص) خالی می‌گذارد.

۹. محمد بخت مطیعی حنفی (م ۱۳۵۴ هـ ق)

او که مفتی کشور مصر است، درباره ابن تیمیة می‌گوید:
ولما ان تظاهر قوم فی هذا العصر بتقلید ابن تیمیة فی عقائده

۱- عقائد اهل السنة و الجماعة، صص ۱۲۵-۱۲۶.

۲- کشف الظنون، ج ۲، ص ۱۴۳۸.

الکاسده و تعضید اقواله الفاسده وبتها بین العامه والخاصه، واستعانوا علی ذلك بطبع کتابه المسمی بالواسطیه ونشره، وقد اشتمل هذا الكتاب علی كثير مما ابتدعه ابن تیمیه مخالفاً فی ذلك الكتاب والسنة وجماعه المسلمین، فأیقظوا فتنه كانت نائمه. (۱)

وچون گروهی در این عصر به تقلید ابن تیمیه در عقاید بی رونقش ظاهر کرده و اقوال فاسدش را بین خاص و عام پراکنده نموده و در این راه به طبع کتابش به نام (واسطیه) و نشر آن یاری جستند، کتابی که مشتمل بر بسیاری از بدعت‌های ابن تیمیه است که در آنها با قرآن و سنت و جماعت مسلمانان به مخالفت پرداخته است. آنان فتنه‌ای را برپا کردند که خاموش بوده است. او نیز درباره ابن تیمیه می گوید:

الف کتابه المسمی ب- (الواسطیه)، فقد ابتدع ماخرق به إجماع المسلمین وخالف فيه الكتاب والسنة الصریحه والسلف الصالح، واسترسل مع عقله الفاسد، وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَى عِلْمٍ، فَكَانَ إِلَهُهُ هَوَاهُ، ظَنًّا مِنْهُ أَنَّ مَا قَالَهُ حَقٌّ وَمَا هُوَ بِالْحَقِّ، وَأَنَّمَا هُوَ مِنْكَرٌ مِنَ الْقَوْلِ وَزُورٌ. (۲)

کتابش را که به نام (الواسطیه) است تألیف نمود. او در آن کتاب بدعت‌هایی گذاشت که با آن اجماع مسلمانان را پاره کرده و در آنها با کتاب و سنت صریح و سلف صالح به مخالفت پرداخت و با

۱- تطهیر الفؤاد من دنس الاعتقاد، محمد بخیت المطیعی، ص ۱۳.

۲- همان، ص ۹.

ص ۷۵

عقل فاسد خود ہمراہی نمود. لذا خداوند او را با علمی کہ داشت گمراہ نمود، پس خدای او ہوای نفسش بود؛ زیرا گمان می کرد کہ آنچه را گفتہ بر حق است در حالی کہ چنین نبود، بلکہ بہ طور حتم قول منکر و زور بہ حساب می آمد.

و نیز می گوید:

... تمالاً علیہ اہل عصرہ ففسقوہ ویدعوہ، بل کفرہ کثیر منہم... (۱)

... اہل عصرش بر او اتفاق کردہ و او را بہ فسق و ادعای باطل نسبت دادند، بلکہ بسیاری از آنان او را تکفیر نمودند ...

۱۰. شاه فضل رسول قادری ہندی حنفی

او دربارہ ابن تیمیہ می گوید:

الشقی ابن تیمیہ، اجمع علماء عصرہ علی ضلالہ وحبسہ، ونودی من کان علی عقیدۃ ابن تیمیہ حلّ مالہ ودمہ. (۲)

ابن تیمیہ شقی کسی است کہ علمای عصرش بر گمراہی و حبسش اجماع نمودند و ندا دادہ شد کہ ہر کس بر عقیدہ ابن تیمیہ است مال و خونش حلال است.

۱۱. شیخ محمد عبدالرحمان سلہتی ہندی حنفی

او دربارہ ابن تیمیہ می گوید:

ابن تیمیہ فہو کبیر الوہابیین، وما ہو شیخ

۱- تطہیر الفؤاد من دنس الاعتقاد، صص ۱۰-۱۱.

۲- سیف الجبار المسلول علی اعداء الابرار، شاه فضل، ص ۴۲.

الإسلام بل هو شيخ البدعة والآثام. وهو أول من تكلم بجملة عقائدهم الفاسدة، وفي الحقيقة هو المحدث لهذه الفرقة الضالة، ثم خملت تذاكرته وعقائده بين الناس إلى سنة سبعمائة وست وأربعين من ميلاد خير البشر عليه التحية والثناء. فبعد ذلك السنة في عهد السلطان محمود خان الثاني ببلاد العرب رجل يدعى بمحمّد بن عبدالوهاب من اليمن وأظهر العقائد الفاسدة التي كانت قد ماتت واندرست بموت ابن تيمية مقيداً مغلولاً في بلاد الإسلام واستحدث شرعاً جديداً ... وسّموا الوهابية بإسم كبيرهم محمّد بن عبدالوهاب. وكان ابن السعود كبير الوهابية ملحداً قد سوّلت له نفسه، فكان يقلق الحجاج ويزعج العباد ويقطع الطرق ... ومن ذلك الزمان زقت جمعهم وشئت شملهم وتفرقوا في البلاد وسّموا بأهل الحديث، ولا يليق لهم ما لقبوا به، بل هم أهل البدعة والضلالة ... (۱)

ابن تيمية، او بزرگ وها بیان است و او شیخ الاسلام نیست بلکه شیخ بدعت و گناهان می باشد او اولین کسی است که به تمام عقاید فاسد آنها سخن گفته است، و در حقیقت او ایجاد کننده این فرقه گمراه است. آن گاه یاد و عقاید او بین مردم تا سال ۷۴۶ از میلاد پیامبر (ص) خاموش شد. سپس بعد از آن سال، در عصر سلطان محمود خان دوم در سرزمین های عرب مردی به نام محمّد بن عبدالوهاب از اهل یمن ظهور کرده و عقاید فاسدی را که مرده بود و با مرگ ابن تيمیه مندرس شده و در بلاد اسلام بسته و غل شده بوده را ظاهر کرد و شرع جدید احداث نمود ... وهابیت را به اسم بزرگشان محمّد

ص ۷۷

بن عبدالوهاب نامیدند. ابن سعود از بزرگان وهابیت شخصی ملحد بود که نفسش او را فریب داد و بر حجاج سخت می گرفت و بندگان را آزار و اذیت می نمود و راهها را بر مردم می بست ... از آن زمان جمعیت آنان متفرق شده و اجتماعشان پراکنده شد و در شهرها پراکنده شدند. آنان خود را اهل حدیث نامیدند در حالی که لایق به این اسم نبودند بلکه آنان اهل بدعت و گمراهی اند ...

۱۲. محمد زاهد کوثری حنفی (م ۱۳۷۱ ه. ق)

او درباره ابن تیمیه می گوید:

ولو قلنا لم یبل الإسلام فی الأدوار الأخریة بمن هو اضرّ من ابن تیمیة فی تفریق کلمة المسلمین لَمَا کُنَّا مبالغین فی ذلک، وهو سهل متسامح مع اليهود والنصارى يقول عن کتبهم أنّها لم تحرف تحریفاً لفظياً فاکتسب بذلك إطراء المستشرقین له، شدید غلیظ الحملات علی فرق المسلمین لاسیما الشیعة ... ولولا شدّة ابن تیمیة فی ردّه علی ابن المطهر فی منهاجه إلی ان بلغ به الأمر إلی أن یعرض لعلی بن أبی طالب علی الوجه الذی تراه فی أوائل الجزء الثالث منه بطریق یأباه کثیر من أقحاح الخوارج مع توهین الأحادیث الجیده فی هذا السبیل ... (۱)

اگر بگوییم که اسلام در دوران‌های اخیر به کسی مبتلا نشده که ضررش از ابن تیمیه در تفرقه بین مسلمانان بیشتر باشد، هرگز در این امر مبالغه نکرده‌ایم. او کسی بود که به آسانی با یهود و نصارا

ص ۷۸

مسامحه داشت و درباره کتاب‌های آنها می‌گوید که تحریف لفظی نشده است، لذا مستشرقان به آن توجه کرده‌اند. او مردی تندمزاج بوده و سرسختانه بر فرقه‌های اسلامی علی‌الخصوص شیعه حمله می‌نمود ...

و اگر نبود شدت ابن تیمیه در ردش بر ابن مطهر در (منهاج السنه) به حدی که کار به جایی رسانده که به علی بن ابی طالب (ع) اعتراض نموده است، همان‌گونه که در اوایل جزء سوم از آن کتاب مشاهده می‌نمایی، و این توهین به حدی است که بزرگان خوارج از آن ابا دارند، با توهین نسبت به احادیث خوبی که در این زمینه وارد شده است ...

او نیز درباره ابن تیمیه می‌گوید: «وقع الإیتفاق علی تضلیلہ و تبذیرہ و زندقته» (۱)؛ «اتفاق امت بر گمراهی و بدعت‌گزاری و کفر اوست».

همچنین می‌گوید:

ان کان ابن تیمیه لایزال شیخ الإسلام فعلی الإسلام سلام. (۲)

اگر ابن تیمیه تاکنون شیخ الاسلام است پس فاتحه اسلام خوانده شده است.

او در جای دیگر می‌گوید:

ومن احاط علماً بما نقلناه ... واستمر علی مشایعته و علی عدّه شیخ الإسلام فعلیه مقت الله و غضبه. (۳)

هر کس احاطه علمی به آنچه ما نقل کردیم پیدا کند ... و بر پیروی

۱- تبذیر الظلام، ص ۸۱.

۲- الاشفاق، ص ۸۹.

۳- تبذیر الظلام، صص ۱۱۸-۱۱۹.

ص ۷۹

از او و نامگذاری او به شیخ الاسلام اصرار ورزد، پس ناخشنودی و غضب خدا بر او باد. همچنین می‌گوید:

وقد جرى عمل الأمة على التوسل والزيارة إلى ان ابتدع انكار ذلك الحرّاني. (۱)
امت اسلامی همچنان به توسل و زیارت قبر پیامبر (ص) عمل می‌کرد تا اینکه حرّانی انکار آن را بدعت گذاشت.

۱۴. احمد رضا بریلوی حنفی

او که رئیس فرقه بریلویه هند است درباره ابن تیمیه می‌گوید: «انّ ابن تیمیة كان يهذى جزافاً» (۲)؛ «همانا ابن تیمیه بی‌مهابا هذیان می‌گوید».

او نیز می‌گوید: «ابن تیمیة كان فاسد المذهب» (۳)؛ «ابن تیمیه دارای مذهبی فاسد بوده است».

۱۵. نعیم الدین مرادآبادی حنفی

او که یکی از ائمه فرقه بریلوی است درباره ابن تیمیه می‌گوید: «انّ ابن تیمیة افسد نظم الشريعة» (۴)؛ «همانا ابن تیمیه نظام شریعت را فاسد کرده است».

آن‌گاه کلامی را از یکی از علمای اهل سنت درباره ابن تیمیه نقل

۱- محق التقول، کوثری، مقالات الکوثری، ص ۴۶۸.

۲- الفتاوی الرضویة، صص ۱۹۸ و ۱۹۹.

۳- همان.

۴- دعوة شیخ الاسلام ابن تیمیة، ج ۲، ص ۶۱۱.

ص ۸۰

می کند که:

ابن تیمیه عبد خذله الله واضلّه واعماه واصمه واذله. وانه مبتدع ضالّ ومضلّ وجاهل غال. (۱)

ابن تیمیه بنده‌ای بوده که خداوند او را خوار و گمراه و کور و کر و ذلیل کرده است. او مردی بدعت‌گذار، گمراه و گمراه‌کننده و جاهل و غالی است.

سوم: دیدگاه علمای مالکی درباره ابن تیمیه

۱. تاج‌الدین احمد بن محمد بن عطاءالله اسکندری مالکی (م ۷۰۹ ه. ق)

او دارای تألیفات و مصنفات بسیاری است ذهبی درباره او می گوید: «... کان من كبار القائمين على الشيخ تقى الدين ابن تيمية» (۲)؛ «... او از بزرگان قیام‌کننده بر ضدّ شیخ تقی‌الدین ابن تیمیه بوده است».

۲. عمر بن ابی‌الیمین لخمی فاکهی مالکی (م ۷۳۴ ه. ق)

او کتابی را در ردّ ابن تیمیه تصنیف کرده و اسم آن را «التحفة المختارة فی الردّ علی منکر الزیارة» گذاشته است. (۳)

۳. تقی‌الدین محمد بن ابی‌بکر بن عیسی سعیدی اخنائی مالکی (م ۷۵۰ ه. ق)

او که فقیه و قاضی‌القضاء و محدث اهل سنت است در مقابل

۱- دعوة شیخ الاسلام ابن تیمیه، ج ۲، ص ۶۱۱.

۲- ذیل تاریخ الاسلام، ذهبی، ص ۸۶؛ البدر الطالع، شوکانی، ج ۱، ص ۷۴.

۳- السلفية الوهابية، ص ۱۳۶.

ص ۸۱

ابن تیمیه ایستاده و کتابی را به نام «المقالة المرضیة فی الرد علی من ینکر الزیارة المحمّدیة» تألیف کرده است. (۱) ابن حجر عسقلانی درباره او می گوید:

وكان كثير الحطّ على الشيخ ابن تیمیه واتباعه وهو الذي عزّر الشهاب ابن مری وکان علی طریقۀ الشیخ تقی الدین... (۲) او بسیار بر ضدّ شیخ ابن تیمیه و پیروانش اعتراض و حمله کرده است، و اوست که شهاب بن مری که روش شیخ تقی الدین ابن تیمیه را داشته، تأدیب نموده است... او نیز در ردّ ابن تیمیه می گوید:

فأنه لما احدث ابن تیمیه ما احدث فی اصول العقائد و نقض من دعائم الإسلام الأركان والمعاهد، بعد ان كان مستتراً بتبعیة الكتاب والسنة، مظهراً أنه داع إلى الحق هاد إلى الجنة، فخرج عن الإتياع إلى الإبتداع، و شدّ عن جماعة المسلمين بمخالفة الإجماع. (۳) چون ابن تیمیه در اصول عقاید بدعت‌هایی را ایجاد کرد و ارکان و پایه‌های اسلام را رشته رشته نمود بعد از آنکه خودش را در لباس تبعیت از کتاب و سنت پوشانده بود و اظهار کرد که دعوت کننده به حق و هادی به بهشت است، لذا از پیروی خارج شد و داخل در بدعت گذاری شده و با مخالفت اجماع از جماعت مسلمانان خارج گشت.

۴. ضیاء الدین خلیل بن اسحاق مالکی (م ۷۷۶ هـ. ق)

۱- السلفیة الوهابیة، ص ۱۳۶.

۲- رفع الإصر، ابن حجر عسقلانی، ص ۳۵۳.

۳- الدرّة المضيئة، تقی الدین سبکی، ص ۳.

ص ۸۲

وی درباره توسل می گوید:

... ويسأل الله تعالى بجاهه في التوسل به؛ إذ هو محطّ جبال الأوزار واثقال الذنوب؛ لأنّ برکة شفاعته وعظمتها عند ربّه لا يتعاضدها ذنب. ومن اعتقد خلاف ذلك فهو المحروم الذي طمس الله بصيرته واضلّ سريره. ألم يسمع قوله تعالى: **وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ...** (۱)

... و از خداوند متعال می خواهد به جاه و مقام او در توسل به حضرت؛ زیرا اوست که کوه‌هایی از عیب‌ها و سنگینی‌های گناهان را نابود می کند؛ چرا که برکت شفاعتش و عظمت او نزد پروردگارش هرگز هیچ گناهی با آن مقابله نمی کند. و کسی که معتقد به خلاف آن شود از شفاعتش محروم است. او کسی است که خداوند بصیرتش را گرفته و قلبش را گمراه کرده است. آیا نشنیده‌ای گفتار خدای متعال را که فرمود: (و اگر آنان که به خود ظلم کردند نزد تو می آمدند ...).
 زرقانی بعد از نقل این عبارت می گوید: «ولعلّ مراده التعريض بابن تيمية» (۲)؛ «شاید مراد او اعتراض و طعن به ابن تیمیه باشد».

۵. محمد برلسی رشیدی مالکی

او همچنین درباره ابن تیمیه می گوید:

۱- شرح المواهب اللدنیة، زرقانی، ج ۱۲، ص ۲۱۹.

۲- همان.

وقد تجاسر ابن تیمیة - عامله الله بعدله - و ادعى ان السفر لزيارة النبي (ص) محرم بالإجماع و ان الصلاة لا تقصر فيه لعصيان المسافر به، و ان سائر الأحاديث الواردة في فضل الزيارة موضوعه، و اطال بذلك بما تمجده الأسماع و تنفر منه الطباع، و قد عاد شؤم كلامه عليه حتى تجاوز إلى الجناب الأقدس المستحق لكل كمال انفس و حاول ما ينافي العظمة و الكمال بادعائه الجهة و التجسيم، و أظهر هذا الأمر على المنابر و شاع و ذاع ذكره في الأصاغر و الأكابر و خالف الأئمة في مسائل كثيرة و استدرك على الخلفاء الراشدين باعتراضات سخيفة حقيرة فسقط من عين اعيان علماء الأمة، و صار مثله بين العوام فضلا عن الأئمة، و تعقب العلماء كلماته الفاسدة و زيفوا حججه الكاسدة و اظهروا عوار سقطاته و بينوا قبائح أوهامه و غلطاته، حتى قال في حقه العز بن جماعة ان هو إلا عبد اضلّه الله و اغواه و ألبسه رداء الخزي و أرداه... (۱)

ابن تیمیہ جسارت کرده - خدا با او به عدلش معامله کند - و ادعا نموده که سفر به جهت زیارت قبر پیامبر (ص) به اجماع حرام است، و اینکه نماز با آن در سفر قصر نمی شود؛ چرا که مسافر با چنین سفری گناه کار می شود، و اینکه تمام احادیثی که در فضیلت زیارت وارد شده جعلی است. او در این موضوع به حدی اطاله کلام کرده که گوش ها را خسته می کند و طبیعت ها از آن تنفر دارد.

۱- شواهد الحق، یوسف نهبانی، ص ۱۵.

شومی کلامش از پیامبر (ص) تجاوز کرده و به جناب اقدس خداوند که مستحق هر کمال است سرایت نموده است و معتقد به مطالبی است که با عظمت و کمال او سازگاری ندارد؛ چرا که او مدعی جهت و جسمیت برای خداوند شده و آن را بر روی منبر اعلان کرده و شایع نموده و بین کوچک و بزرگ پخش کرده است، و با امامان در بسیاری از مسایل مخالفت نموده و بر خلفای راشدین با اعتراضات پست و حقیر طعن زده است. لذا از چشم بزرگان علمای امت سقوط کرده و مورد مذمت عوام قرار گرفته است تا چه رسد به خواص. علما کلمات فاسد او را پیگیری کرده و حجّت‌های باطل او را رد نموده و لغزش‌ها و اوهام قبیح و غلطهایش را ظاهر کرده‌اند، به حدّی که عزبن جماعه در حقش گفته: او بنده‌ای است که خداوند او را گمراه کرده و از هدایت دور نموده و لباس خواری را بر تنش نموده و او را نابود کرده است ...

۷. حافظ احمد بن محمد صدیق غماری مالکی (م ۱۳۸۰ ه. ق)

او درباره ابن تیمیه می گوید:

بل بلغت العداوة من ابن تیمیه إلى درجة المكابرة وانكار المحسوس، فصرح بكلّ جرأة ووقاحة ولؤم ونذالة ونفاق وجهالة أنّه لم يصح في فضل علي (ع) حديث اصلا ... بل اضاف ابن تیمیه إلى ذلك من قبيح القول في علي وآل بيته الأطهار، وما دلّ على أنّه رأس المنافقين في عصره لقول النبي (ص) في الحديث الصحيح المخرج في صحيح مسلم مخاطباً لعلی (ع): (لا يجبك إلّا

مؤمن ولا یغضک إلا منافق)، كما لزم ابن تیمیة بذلك أهل عصره وحكموا بنفاقه ... و كيف لا یلزم بالنفاق مع نطقه - قبحه الله - بما لا ینطق به مومن فی حق فاطمة سیده نساء العالمین وحق زوجها أخی رسول الله (ص) وسید المؤمنین، فقد قال فی السیده فاطمة البتول: ان فیها شَبَّها من المنافقین الذین وصفهم الله بقوله: فَإِنْ أُعْطُوا مِنْهَا رَضُوا وَإِنْ لَمْ يُعْطُوا مِنْهَا إِذَا هُمْ يَسْخَطُونَ (۱)، قال - لعنه الله عليه - فكذلك فعلت هي إذ لم يعطها ابوبكر من ميراث والدها (ص) ... فی امثال هذه المثالب التي لا يجوز ان يتهم بها مطلق المؤمنین فضلا عن سادات الصحابة، فضلا عن أفضل الأمة بعد رسول الله (ص)، فقبح الله ابن تیمیة وأخزاه وجزاه بما يستحق، و قد فعل والحمد لله؛ إذ جعله امام كل ضالّ مضلّ بعده، و جعل كتبه هادية إلى الضلال، فما اقبل عليها احد و اعتنى بشأنها إلا وصار امام ضلالة فی عصره ... (۲)

دشمنی ابن تیمیه به حدّ جدل و انکار محسوس رسیده است؛ لذا با جرأت و وقاحت و پستی و نفاق و جهالت تصریح کرده که در باب فضایل حضرت علی (ع) حتّی یک حدیث صحیح وجود ندارد ... بلکه ابن تیمیه به آن گفتار قبیح در حق علی و اهل بیت اطهارش اضافه کرده است، و نیز مطالبی دارد که دلالت می کند که او از سردسته های منافقان در عصرش می باشد؛ چرا که پیامبر (ص) در حدیث صحیحی که در صحیح مسلم خطاب به علی (ع) آمده

۱- توبه: ۵۸.

۲- البرهان الجلی، احمد غماری، ص ۵۳.

می‌فرماید: (دوست ندارد تو را مگر مؤمن و دشمن ندارد تو را مگر منافق). همان‌گونه که علمای عصرش او را با این مطالب محکوم کرده و حکم به نفاقش نموده‌اند ... و چگونه محکوم به نفاق نباشد- خداوند او را قبیح گرداند- با این گفته‌هایش که هرگز مؤمنی در حق فاطمه بزرگ‌زنان عالم و در حق همسرش برادر رسول‌خدا (ص) و آقای مؤمنان نمی‌گوید. او درباره خانم فاطمه بتول می‌گوید: در او شباهتی به منافقان است، همان که خداوند در گفتارش فرموده: (اگر از آن به آنها داده شود راضی می‌شوند و اگر به آنها داده نشود ناگهان ناراحت می‌گردند). ابن تیمیه- که لعنت خدا بر او باد- گفته: فاطمه این‌گونه عمل کرده است؛ زمانی که ابوبکر از میراث پدرش (ص) به او نداد ... در امثال این ناسزها که جایز نیست مطلق مؤمنان به آن متهم گردند تا چه رسد به بزرگان صحابه و تا چه رسد به بهترین امت بعد از رسول خدا (ص)، پس خداوند ابن تیمیه را قبیح گرداند و او را خوار نموده و جزا به آنچه سزاوارش می‌باشد دهد که به حمدالله چنین کرده است؛ چرا که او را رهبر هر گمراه و گمراه‌کننده بعد از خود نموده و کتاب‌هایش را موجب هدایت به گمراهی قرار داده است. لذا هیچ کس به او روی نیاورده و به شأن او اعتنا ننموده، مگر آنکه خودش امام گمراهی در عصرش شده است ...

۸. عبدالله بن محمد صدیق غماری مالکی (م ۱۴۱۳ ه. ق)

او درباره ابن تیمیه می‌گوید:

ویدلّ ایضاً علی انّ علیاً (ع) کان میمون النقیبه، سعید الحظّ، علی

ص ۸۷

نقیض ما قال ابن تیمیة فی منهاجه عنه انه كان مشئوماً مخذولاً، وتلك كلمة فاجرة، تنبئ عمّا في قلب قائلها من حقد علی وصی النبی (ص) واخيه. (۱)

و دلیل بر اینکه علی (ع) انسانی خوب و باشرف بوده برخلاف آنچه که ابن تیمیه در «منهاج السنّة» گفته که حضرت مردی شوم و خوار بوده است، و این گفتاری ناشایست است که از قلب گوینده آن خبر می‌دهد که نسبت به علی وصی پیامبر (ص) و برادرش (ع) کینه دارد.

۹. احمد زروق مالکی

او درباره ابن تیمیه می‌گوید:

... مطعون علیه فی عقائد الإیمان، مثلوب بنقص العقل فضلاً عن العرفان... (۲)

... او در عقاید مورد طعن و سرزنش واقع شده، و دارای نقصان عقل بوده است تا چه رسد به عرفان ...

۱۰. زین الدین بن مخلوف مالکی

او قاضی مالکیه و معاصر ابن تیمیه بوده ابن حجر عسقلانی او را در ضمن علمایی برشمرده که با عقاید ابن تیمیه به مخالفت برخاسته‌اند. (۳)

چهارم: دیدگاه علمای حنبلی درباره ابن تیمیه

اشاره

۱- سمیر الصالحین، عبدالله غماری، ص ۷۷.

۲- شواهد الحق، ص ۴۵۳ به نقل از او.

۳- الدرر الكامنة، ج ۱، ص ۱۴۷.

ص ۸۸

ابن تیمیه نه تنها از سوی عالمان سایر مذاهب مورد نقد و تهاجم قرار گرفت، بلکه از سوی عالمان هم‌مذهبش نیز مورد طرد و نقد قرار گرفت.

۱. قاضی شیخ شرف‌الدین عبدالغنی بن یحیی مرّانی حنبلی (م ۷۰۹ ه. ق)

او معاصر ابن تیمیه بوده، ابن حجر عسقلانی او را در ضمن علمایی برشمرده که با نظریات ابن تیمیه به مخالفت برخاسته‌اند (۱).

۲. زین الدین عبدالرحمان بن رجب حنبلی (م ۷۹۵ ه. ق)

شیخ ابوبکر حصنی شافعی درباره او می‌گوید:

وكان الشيخ زين الدين بن رجب الحنبلي ممن يعتقد كفر ابن تيمية، وله عليه الردّ. وكان يقول بأعلى صوته في بعض المجالس: معذور السبكي يعني في تكفيره. (۲)

شیخ زین الدین بن رجب حنبلی از جمله کسانی بود که ابن تیمیه را کافر می‌دانست و ردّی بر او نوشته است. لذا با بلندترین صدا در برخی مجالس می‌گفت: سبکی در تکفیر ابن تیمیه صاحب حق است.

۳. شهاب الدین احمد بن محمد بن عمر خفاجی حنبلی (م ۱۰۶۹ ه. ق)

او درباره زیارت قبر پیامبر (ص) می‌گوید:

وزيارة قبره سنة مأثورة مستحبه مجمع عليها، أي على كونها

۱- الدرر الكامنة، احمد بن حجر عسقلانی، ج ۱، ص ۱۴۷.

۲- دفع شبه من شبه و تمرّد، ص ۴۰۱.

ص ۸۹

سنه، ولا عبرة بمن خالف فيها كابن تیمیه... وأعلم انّ هذا الحديث هو الذى دعا ابن تیمیه ومن تبعه كابن القيم إلى مقاتله الشنیعة التى كفروه بها، وصنف فيها السبکی مصنفاً مستقلاً وهى منعه من زیارة قبر النبى (ص) و شدّ الرحال الیه... توهم أنه حمى جانب التوحید بخرافات لاینبغی ذکرها؛ فانّھا لاتصدر عن عاقل فضلا عن فاضل سامحه الله عزوجل. (۱)

و زیارت قبرش سنتی است که در روایات به آن اشاره شده و مستحبی است که مورد اجماع واقع شده است. و به کلام کسی چون ابن تیمیه که با این مسأله مخالفت کرده اعتنایی نیست...

و بدان که این حدیث همان چیزی است که ابن تیمیه و پیروانش همچون ابن قیم را به گفتار زشتش کشانده که به سبب آن او را تکفیر کرده‌اند، و سبکی درباره آن کتاب مستقلى تصنیف کرده است، و آن عبارت است از منع زیارت قبر پیامبر (ص) و سفر برای آن...

او گمان کرده با خرافاتی که جای ذکر آن نیست از جانب توحید حمایت نموده است، خرافاتی که از عاقل صادر نمی‌شود تا چه رسد به شخص فاضل. خداوند عزوجل با او مسامحه کند و از او بگذرد.

و نیز در ردّ استدلال ابن تیمیه به حدیث: «لاتجعلوا قبری عیداً»، می‌گوید: «لاحجة فیہ... فانّه نزعۀ شیطانیة» (۲)؛ «حجت و دلیلی در آن نیست... چرا که این استدلال نزاعی شیطانی است».

پنجم: ابن تیمیه از دیدگاه غیر سلفیان معاصر

اشاره

۱- نسیم الریاض، خفاجی، ج ۵، ص ۱۷.

۲- همان، ص ۱۱۳.

ص ۹۰

روشنفکران و اندیشمندان معاصر جهان عرب نیز در برابر اندیشه‌های تکفیری ابن تیمیه موضع گرفته و به نقد و ارزیابی افکار وی پرداخته‌اند که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود:

۱. دکتر محمود سید صبیح

وی می‌گوید:

وقد تتبعت كثيراً من أقوال مبتدعه هذا العصر فوجدت أكثر استدلالهم باین تیمیه، فتتبع بحول الله وقوته كلام ابن تیمیه فيما يقرب من أربعين الف صفحة أو يزيد فوجدته قد اخطأ اخطاء شنيعه في حق رسول الله (ص) وأهل بيته وصحابته، وأنت خير انّ جناب رسول الله (ص) وأهل بيته اهمّ عندنا أجمعين من جناب ابن تیمیه ... (۱)

من بسیاری از اقوال بدعت‌گذاران این عصر را پیگیری کردم و مشاهده نمودم که بیشتر استدلال‌های آنها به ابن تیمیه است. لذا به حول و قوه خداوند حدود چهل هزار صفحه یا بیشتر از کلام ابن تیمیه را پی‌جویی نمودم و فهمیدم که او اشتباهات زشتی در حق رسول خدا (ص) و اهل بیت و صحابه او داشته است، و تو می‌دانی که جناب رسول خدا (ص) و اهل بیتش نزد ما مسلمانان از جناب ابن تیمیه مهم‌تر است ...

۱- اخطاء ابن تیمیه، دکتر محمود سید صبیح، ص ۶.

وی همچنین می گوید:

و درج المسلمون علی تعظیم قرابه و نسب رسول الله (ص) حتّی خرج ابن تیمیّه فی القرن الثامن الهجری و کان بینہ و بین النبی (ص) و أهل بیته ثأراً، فما وجد من خصیصه من خصائصهم إلّا نفاها أو قلّ لها أو صرف معناها فضلاً عن سوء أدبه فی التعبير و الکلام علیهم ... و ما وجد من أمر قد یختلط علی العامه إلّا و تکلم و زاده تخلیطاً. و فی سبیل ذلك نفی ابن تیمیّه کثیراً جدّاً من خصائص النبی (ص) و فضله و فضائل أهل بیته. (۱)

مسلمانان پله‌های تعظیم خویشاوندی و منسوبین رسول خدا (ص) را پیمودند تا اینکه ابن تیمیه در قرن هشتم هجری قمری ظهور کرد. به جهت کینه‌ای که بین او و پیامبر و اهل بیتش: وجود داشت، لذا هیچ خصوصیتی از خصوصیات آنها نبود جز آنکه آنها را نفی کرده یا از ارزش انداخت یا معنای آن را از حقیقتش منصرف ساخت، تا چه رسد به بی ادبی‌هایی در تعبیر و کلماتش که بر ضد آنها به کار گرفت ... هیچ مسأله مورد مناقشه‌ای از عموم مردم نبود جز آنکه آنها را گرفته و درباره‌اش سخن گفت و بر شبهات آن افزود. لذا ابن تیمیه در این راه بسیاری از خصوصیات و فضائل پیامبر (ص) و اهل بیتش را انکار نمود.

همچنین درباره ابن تیمیه می گوید:

و کان ابن تیمیّه احد جنود یزید بن معاویه الذین استهتروا

ص ۹۲

بفضیله أهل البيت وانتقصوهم وقتلوا الإمام الحسين سيد شباب أهل الجنة أمام عينيه، وكم من مبغض لأهل البيت يريد قتل الحسين وأهل بيته حياً وبعد شهادته، ولا يطيق سماع حَتَّى أسمائهم، فما بالكم بفضيلتهم. (۱)

ابن تیمیه یکی از لشکریان یزید بن معاویه بود که فضایل اهل بیت را سست و سبک نمودند درصدد برآمدند تا بر آنان نقص وارد کرده و امام حسین سید جوانان اهل بهشت را در مقابل چشمان او کشتند. و چه بسیار از دشمنان اهل بیت که درصدد برآمدند تا حسین (ع) و اهل بیت او را در زمان حیات و بعد از شهادتش به قتل برسانند، که طاقت شنیدن اسم‌های آنان را ندارند تا چه رسد به اینکه فضیلت آنان را بشنوند.

۲. دکتر محمد سعید رمضان بوطی

او که مدیر دانشکده شریعت سوریه است، درباره ابن تیمیه می‌گوید:

وها قد رأينا أن ابن تيمية لم يبال أن يخالف السلف كلهم ممثلين في أصحاب مالك وأحمد والشافعي وأبي حنيفة... (۲)

ما مشاهده کردیم که ابن تیمیه هیچ ابایی نداشت که با تمام سلف از اصحاب مالک و احمد و شافعی و ابوحنیفه به مخالفت پردازد

...

همچنین می‌گوید:

واعلم أن زيارة مسجده وقبره (ص) من اعظم القربات إلى الله

۱- اخطاء ابن تيمية، ص ۱۲۳.

۲- السلفية، مرحلة زمنية، بوطی، ص ۱۸۶.

ص ۹۳

عَزَّوَجَلَّ، اجمع على ذلك جماهير المسلمين في كلِّ عصر إلى يومنا هذا، لم يخالف في ذلك إلا ابن تيمية غفر الله له، فقد ذهب إلى أن زيارة قبره (ص) غير مشروعة ... (۱)

بدان که زیارت مسجد و قبر پیامبر (ص) از مهم‌ترین وسایل تقرّب به سوی خدای عزّوجلّ است، و این مطلبی است که مورد اجماع تمام مسلمانان در هر عصر تا این زمان می‌باشد، و کسی به جز ابن تیمیه با آن مخالفت نکرده است، خدا از گناهانش درگذرد، که او معتقد است که زیارت قبر پیامبر (ص) غیرمشروع می‌باشد ...

۳. دکتر عمر عبدالله کامل

او که از علمای مکه مکرمه است در کتاب «نقض قواعد التشبيه من اقوال السلف» می‌گوید:

هذا الكتاب ردّ مختصر على أهم ما ورد من افكار وكذا المنطلقات التي بنيت عليها في الكتاب الموسوم بالعقيدة التدمرية والمنسوب للشيخ ابن تيمية، وكلّ يؤخذ من كلامه ويردّ، خاصة وأن هذه الأفكار والآراء تعارض ما يعتقده جمهور الأمة المعصومة، وهنا مكنم الخطر. (۲)

این کتاب ردّیه مختصری است بر مهم‌ترین افکار و مطالبی که کتاب «العقيدة التدمرية» ابن تيمیه بر آن بنا شده است، و تمام علما کلمات او را گرفته و بر او ردّ نوشته‌اند، خصوصاً اینکه این افکار و

۱- فقه السيرة النبوية، بوطی، ص ۵۶۰.

۲- نقض قواعد التشبيه، دکتر عمر عبدالله کامل، ص ۸.

آراء با رأی جمهور امت که از عصمت برخوردار است معارضه دارد، و این موضوع خطرناکی است. همچنین در کتاب دیگرش در ردّ ابن تیمیه می گوید:

ولازم استحباب زیارة قبره (ص) استحباب شدّ الرحال اليها؛ لأنّ زیارته للحاج بعد حجّه لا تمکن بدون شدّ الرحل، فهذا كالتصریح باستحباب شدّ الرحل لزیارته (ص).

وقد درج علماء الإسلام وفي مقدمتهم الحنابلة علی هذا الفهم واتفقوا علی جواز شدّ الرحال واستحباب زیارة قبر النبی (ص) إلی ان جاء ابن تیمیة فی القرن الثامن وخالف عامة المسلمین وقال: لا تستحب زیارة قبر النبی (ص) ...

وقد نقلنا اجماع المسلمین علی مشروعیة زیارة قبر النبی (ص) فی مختلف الأزمنة وأنه لم یخالف فی ذلك غیر ابن تیمیة ومن تبعه، فهل من الحکمة ان نأخذ بقوله وفهمه للمسألة وندع اجماع أئمة المسلمین فی عصور ما قبل ابن تیمیة؟ مع ان اجماعهم فی عصر واحد حجّة ملزمة، فضلا عن أقوال أكثر أئمة المسلمین بعد عصر ابن تیمیة. (۱)

لازمه استحباب زیارت قبر پیامبر (ص) مستحب بودن سفر به جهت زیارت است؛ زیرا زیارت قبر حضرت برای حاجی بعد از حجّش بدون سفر به جهت آن امکان ندارد، و این به نوبه خود دلالت صریح بر استحباب سفر به جهت زیارت قبر پیامبر (ص) دارد.

۱- کلمة هادئة فی زیارة و شدّ الرحال، دکتر عمر عبدالله کامل، ص ۴۴.

ص ۹۵

و علمای اسلام و قبل از همه حنابله بر این فهم تأکید کرده و بر جواز سفر و استحباب زیارت قبر پیامبر (ص) اتفاق نظر دارند، تا اینکه ابن تیمیه در قرن هشتم آمد و با عموم مسلمانان به مخالفت پرداخت و گفت: زیارت قبر پیامبر (ص) مستحب نیست ... ما اجماع مسلمانان را بر مشروعیت زیارت قبر پیامبر (ص) در زمان‌های مختلف نقل کردیم و اینکه کسی در این مسأله به جز ابن تیمیه و پیروانش مخالفت نکرده است. آیا از حکمت است که قول و فهم او را در این مسأله اخذ کرده و اجماع ائمه مسلمانان را در عصرهای قبل از ابن تیمیه رها کنیم؟ با اینکه اجماع مسلمانان در یک عصر حجت الزامی است تا چه رسد از اقوال بیشتر امامان مسلمانان بعد از عصر ابن تیمیه.

۴. شیخ یوسف بن هاشم رفاعی

او که از علمای معروف اهل سنت در کویت است درباره ابن تیمیه می گوید:

رحم الله خصوم الشيخ ابن تیمیه؛ فانهم لما خرج على الإجماع في بعض آرائه، أقاموا له المناظرات الكثيرة المفتوحة في مصر ودمشق بحضور العلماء والوزراء وطلبة العلم... (۱)

خدا رحمت کند دشمنان ابن تیمیه را که چون از اجماع در برخی آرائش خارج شد با او مناظرات علنی در شهرها و خصوصاً دمشق در حضور علما و وزرا و طالبان علم برپا کردند ...

۵. محیی الدین حسین بن یوسف اسنوی

۱- ادله اهل السنة و الجماعة، ص ۵.

ص ۹۶

او که از علمای الأزهر مصر است در ردّ ابن تیمیه می گوید:

انّ لابن تیمیه فی مسأله زیاره قبر الرسول (ص) رأی شاذ و کلام کثیر فیه تضارب و تناقض و تعمیم و تهویل. و من قرأ له (الجواب الباهر فی زوار المقابر) أو (الردّ علی الأحنائی) وقد طبع مؤخراً فی (۷۴۴) صفحه من القطع الكبير، أو قرأ له فتاواه أو ما نقله بعض تلامیذه عنه کابن عبدالهادی فی (الصارم المنکی)، من قرأ ذلك کله يعرف مدى التشتت الموجود فی کلام الرجل. وقد قام علیه علماء عصره فی هذه المسأله و غیرها و ردّوا علیه ... (۱)

برای ابن تیمیه در مسأله زیارت قبر پیامبر (ص) رأی شاذ و گفتار بسیاری است که در آن زد و خورد و تناقض و اغفال و هوچی گری است. و کسی که کتاب (الجواب الباهر فی زوار المقابر) و کتاب (الردّ علی الأحنائی) را بخواند که اخیراً در ۷۴۴ صفحه در قطع بزرگ چاپ شده، و یا اینکه کتاب فتاوی او را قرائت کند یا آنچه را که برخی از شاگردانش امثال ابن عبدالهادی در کتاب (الصارم المنکی) از او نقل کرده بخواند، می داند که چه قدر در کلام این مرد تشتت است. لذا علمای عصرش در این مسأله و غیر آن بر ضدّ او قیام کرده و بر او ردّ نوشته اند ...

۶. ابوالفداء سعید عبداللطیف فوده

ص ۹۷

او که از علمای معاصر اردن است، در ردّ ابن تیمیه می گوید:

وأما عندنا فما كتبه واضح في مذهب الضلال ونص صريح في نصره مذهب المجسمه والكراميه المبتدعه، ونحن في ردنا عليه ونقضنا لكلامه لا يتوقف هجومنا لصدّ افكاره وتوهماتة على موافقة الناس لنا، بل أننا نعلم أنّ كثيراً منهم على عينه غشاؤه، نرجو من الله تعالى ازلتها بما تقوم به من الردود والتنبيهات. (۱)

اما نزد ما، آنچه را که او نوشته واضح است که همگی آنها مذهب گمراهی و نصّ صریح در یاری مذهب اهل تجسیم و کرامیه بدعت گذار است. و ما در ردّیه بر او و نقض کلامش تنها در هجوم خود به مقابله با افکار و توهمات او بر موافقت مردم با ما توقف نمی کنیم، بلکه می دانیم که بسیاری از آنها بر روی چشمانشان پرده‌ای افکنده‌اند. لذا از خداوند متعال می خواهیم که آن را با ردّیه‌ها و تنبیهاتی که نوشته شد ازاله نماید.

۷. عبدالغنی حماده

او در ردّ وهابیان می گوید:

انّ شيخهم ابن تيمية قال عنه علامة زمانه علاء الدين البخاري: انّ ابن تيمية كافر، كما قاله علامة زمانه زين الدين الحنبلي أنّه يعتقد كفر ابن تيمية، و يقول: انّ الإمام السبكي معذور بتكفير ابن تيمية؛ لأنّه كفر الأمة الإسلامية وشبّهها باليهود والنصارى في

۱- نقض الرسالة التدمرية، سعيد فوده، ص ۶.

ص ۹۸

تفسیره عند قوله تعالى: اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ. وقال علماء المذهب: انّ كتبه مشحونه بالتشبيه والتجسيم لله تعالى. (۱)

شیخ آنها ابن تیمیه کسی است که علامه زمانش علاء الدین بخاری درباره او گفته: ابن تیمیه به طور حتم کافر است، همانگونه که علامه زمانش زین الدین حنبلی معتقد به کفر ابن تیمیه بود و می گفت: امام سبکی در تکفیر ابن تیمیه معذور است؛ زیرا او کسی بود که امت اسلامی را تکفیر نموده و آنان را در تفسیر آیه اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ به یهود و نصارا تشبیه کرده است. علمای مذهب گفته‌اند: همانا ابن تیمیه زندیق است؛ زیرا کتاب‌های او پر از اعتقاد به تشبیه و تجسیم نسبت به خداوند متعال می باشد.

۸. دکتر شیخ یوسف حسن شراج

او که استاد فقه و اصول در دانشکده شریعت و دراسات اسلامی در کویت است در ضمن مقاله‌ای درباره بدعت نزد ابن تیمیه می گوید:

... الذى يراه كثير من المتطرفين المخالفين لأهل السنة والجماعة بمثابة المرجع الدينى، الذى عصم الله كلامه من الخطأ، مع أنه ليس نبياً معصوماً كما انّ رأيه ليس هو رأى علماء الأمة جميعاً، حتّى نعتبره اجماعاً وحجّة شرعية ... (۲)

۱- فضل الذاكرين و الردّ على المنكرين، ص ۲۳.

۲- صحيفه الوطن الكويتية، تاريخ ۲۹ آگوست ۲۰۰۴ م.

ص ۹۹

ابن تیمیه کسی است که بسیاری از منحرفان مخالف با اهل سنت و جماعت او را به منزله مرجع دینی و کسی که خداوند کلامش را از خطا مصون داشته است، به حساب آورده‌اند! با اینکه او پیامبر معصوم نبوده است، همان گونه که رأی او عقیده تمام علمای امت به حساب نمی‌آید تا آن را اجماع به حساب آورده و حجت شرعی بدانیم ...

۹. شیخ شعیب ارنأوط

او در تعلیقه خود بر گفتار ذهبی درباره زیارت قبر پیامبر (ص) و ایستادن در کنار حجره او با حالت خواری و تسلیم می‌گوید:

قصد المؤلف بهذا الاستطراد الرد علی شیخه ابن تیمیه الذی یقول بعدم جواز شدّ الرحل لزیارة قبر النبی ... (۱)

قصد مؤلف از این مطلب که به طور ضمنی نقل کرده ردّ بر شیخش ابن تیمیه است که معتقد به عدم جواز سفر به جهت زیارت قبر پیامبر (ص) می‌باشد ...

۱۰. محمد زکی ابراهیم

وی می‌گوید:

الخلاف هو علی التوسل بالمیت الصالح ولم یکن یختلف علی جوازه أحد من السلف إلى القرن السابع، حیث ابتدع ابن تیمیه هذا الخلاف الفتان. (۲)

۱- سیر اعلام النبلاء، ج ۴، ص ۴۸۵.

۲- الافهام و الإفحام، محمد زکی ابراهیم، ص ۷.

ص ۱۰۰

اختلاف در توسل به میت صالح است، و در جواز آن هیچ‌یک از علمای سلف تا قرن هفتم اختلاف نکرده است تا اینکه ابن تیمیه فتنه‌گر این اختلاف را بدعت گذاشت.

۱۱. شیخ عبدالله هروی (معروف به حبشی)

وی می‌گوید:

فأنه يحتج بالحديث الموضوع الذي يوافق هواه ويحاول ان يصححه، ويضعف الأحاديث والأخبار الثابتة المتواترة التي تخالف رأيه وعقيدته ... وهذا لا يستغرب صدوره من رجل بلغ سموم الفلاسفة ومصنفاتهم. (۱)

این وضعیت ابن تیمیه است که به حدیث جعلی موافق با هوای نفسش احتجاج کرده و در صدد تصحیح آن برمی‌آید، و در مقابل، احادیث و اخباری را که ثابت و متواتر است به جهت مخالفت با رأی و عقیده‌اش آنها را تضعیف می‌نماید ... و این گونه کارها از کسی که سم‌های فلاسفه و مصنفات آنها را بلعیده غریب نیست.

ششم: ابن تیمیه از دیدگاه سلفیان معاصر

اشاره

ابن تیمیه نه تنها به وسیله علمای سایر مذاهب مورد نقد قرار گرفته، بلکه برخی از سلفیان معاصر نیز به نقد و ارزیابی آرا و اندیشه‌های وی پرداخته‌اند که ذکر همه آنها در این مجال نمی‌گنجد. از این رو، به برخی از آنها می‌پردازیم:

۱. دکتر عیسی بن مانع حمیری، سلفی

۱- المقالات السنیة، حبشی، ص ۲۰۶.

ص ۱۰۱

او که مدیر کلّ اداره اوقاف و شئون اسلامی دبی است درباره ابن تیمیه می گوید:

وهذا ترك من ابن تیمیه لمذهب السلف بالكلية، وادعاء عليهم بمذهب غير مذهبهم ودخول في مضايق وعره وشنائع أمور استبشعها العلماء واستبعدوها. وقد رأينا لهذا المخالف ومن شايعه الفاظاً شنيعة لم ترد في الكتاب والسنة ولم تنطق بها أحد من السلف، فأثبتوا الجسميه صراحةً واثبتوا الجهه والحدّ والتحيز والحركة والصوت والانتقال والكيّف وغير ذلك من التجسيم الصريح. (۱)

و این مطلب در حقیقت عبارت است از اعراض ابن تیمیه به طور کلی نسبت به مذهب سلف و ادعای او بر آنان به آوردن مذهبی غیر از مذهب سلف، و وارد شدن در تنگناهایی بسیار پست و سخت. اموری که علما آنها را زشت دانسته و از خود دور نموده‌اند. و ما از این مخالف و پیروان او الفاظی زشت دیدیم که در کتاب و سنت یافت نمی‌شود و هرگز فردی از سلف به آن نطق نکرده است. آنان جسمیت را به صراحت ثابت کرده و نیز جهت و حدّ و مکان و حرکت و صوت و انتقال و کیف و دیگر عوارض جسمیت را بر او ثابت می‌دانند.

او همچنین می‌گوید:

۱- تصحيح المفاهيم العقديّة، دكتور عيسى حميري، ص ۱۳۱.

ص ۱۰۲

فالحاصل من هذا أنه يتبين لك أن ابن تيمية عشوائي في فهمه ولا يمشي على قاعدة مستقيمة بل يتبع ما يبدو له إذا استطاع بذلك أن ينصر مذهبه. (۱)

حاصل این مطالب اینکه برای تو روشن شد که ابن تیمیه در فهمش هوایی است و مطابق قاعده مستقیم مشی نمی‌کند، بلکه آنچه که موجب تأیید مذهبش می‌باشد را تنها پیروی و متابعت می‌نماید.

۲. حسن بن فرحان مالکی سلفی

حسن بن فرحان مالکی گرچه سلفی است و به مذهب خود پای‌بند و متعصب است، ولی در کلمات و صحبت‌ها و کتاب‌های او افکاری پیدا می‌شود که دلالت بر آزاد اندیشی و انصاف فی الجمله او دارد. اینک به نمونه‌هایی از این گونه افکار او اشاره می‌کنیم: او درباره سلفی‌های تندرو می‌گوید:

... ويساعده على ذلك أيضاً أن غلاة السنة لهم الصوت الأقوى داخل الوسط السنّي السلفي على وجه الخصوص، فلذلك لانستغرب هذه الانحسارات عن السنة إلى مذاهب أخرى ... وسيبقى الغلو السلفي من أكبر الأمور المساعدة على الانتقال الحادّ إلى الشيعة مالم يسارع عقلاء السلفية بنقد الغلو داخل التيار السلفي نفسه، ذلك الغلو المتمثل في كثرة الأحاديث الضعيفة والموضوعة التي نشدّ بها المذهب وكثرة التكفيرات المخالفة للمنهج السلفي، كتكفير أبي حنيفة والأحناف وتكفير

۱- تصحيح المفاهيم العقديّة، ص ۱۳۵.

ص ۱۰۳

الشیعۀ والجهمیۀ والمعتزلۀ. (۱)

... تأیید این مطلب اینکه غالبان اهل سنت صدای قوی تری در بین سنی‌های سلفی علی‌الخصوص دارند. لذا این گونه خروج‌ها از مذهب اهل سنت به مذاهب دیگر را بدین جهت غریب نمی‌دانیم ... وزود است که غلو سلفی‌ها از بزرگ‌ترین اموری گردد که باعث انتقال سریع اهل سنت به سوی شیعه شود، مگر آنکه عقلاء سلفی به فکر چاره برآمده و غلو و تندروی خود را از درون نقد کنند، غلوی که در وجود احادیث ضعیف و جعلی برای تأیید مذهب و تکفیر مخالفان مذهب و روش سلفی پدیدار گشته است، همچون تکفیر ابی حنیفه و احناف و تکفیر شیعه و جهمیۀ و معتزله.

او درباره محمد بن عبدالوهاب می‌گوید:

و کتاب التوحید أو کتاب کشف الشبهات أو غیرهما من کتب الشیخ و رسائله أما ألفها بشر یخطئ و یریب ولم یؤلفها ملک ولا رسول، فلذلك من الطبعی جداً ان یخطئ ولا مانع شرعاً ولا عقلاً من وقوع الأخطاء من الشیخ؛ سواء كانت کبیرة أو صغیرة، کثیرة أو قليلة، فقیهة أو عقدیة (ایمانیة) ... (۲)

کتاب (التوحید) و کتاب (کشف الشبهات) یا غیر این دو از کتاب‌ها و رساله‌های شیخ را بشری نوشته که ممکن است خطا کند یا به واقع برسد، و آنها را فرشته یا رسول نوشته است؛ لذا جداً طبعی

۱- مجله المجله، شماره ۱۰۸۲، سال ۱۱/۱۱/۲۰۰۰ م، تحت عنوان: «قراءه فی التحولات السنیة للشیعة».

۲- داعیة و لیس نبیاً، ص ۳.

ص ۱۰۴

به نظر می‌رسد که او خطا کند و شرعاً و عقلاً مانعی از وقوع خطاها از شیخ نیست؛ چه آن خطاها بزرگ باشد یا کوچک، زیاد باشد یا کم، فقهی باشد یا عقیدتی و ایمانی ...

او درباره دشمنی بزرگان وهابی با اهل بیت (ع) می‌گوید:

ابن کثیر کان فيه نصب إلى حدّ كبير، والذهبي إلى حدّ ما، أما ابن تيمية إلى حدّ لا ينكره باحث منصف، فاشتهر عنه النصب وكتبه تشهد بذلك، ولذلك حاكمه علماء عصره على جملة أمور منها بغض علي، ولم يحاكموا غيره من الحنابلة، مع أنّ فيهم نصباً ورثوه عن ابن بطّة وابن حامد والبربهاري وابن أبي يعلى وغيرهم. والتيار الشامي العثماني له أثر بالغ على الحياة العلمية عندنا في الخليج، وهذا من أسرار حساسيتنا من الثناء على الإمام علي أو الحسين، وميلنا الشديد لبني امية، فتنبّه!! (۱)

ابن کثیر کسی که تا حدود زیادی نصب و عداوت اهل بیت: را در دل داشت، و تا حدودی نیز ذهبی چنین بود. ولی ابن تیمیه دشمنی او نسبت به اهل بیت آن قدر زیاد بود که بحث کننده منصف نمی‌تواند آن را انکار نماید، لذا او مشهور به ناصبی بودن است و کتاب‌های او نیز بر این مطلب گواهی می‌دهد، و بدین جهت علمای هم عصرش او را به جهت اموری از آن جمله بغض علی (ع) محاکمه نمودند، با اینکه غیر او از حنابله را محاکمه نکردند در حالی که در آنان نیز نصب و عداوتی بود که از ابن بطّه و ابن حامد

۱- داعیه و ليس نبياً، صص ۶۴ و ۶۵.

ص ۱۰۵

و بر بهاری وابن ابی یعلی و دیگران به ارث برده بودند، و مدرسه شام که عثمانی هستند اثر بسیاری بر حیات علمی ما در خلیج گذاشته است، و بدین جهت است که ما حساسیت فراوانی نسبت به مدح و ثنای بر امام علی یا حسین داشته و میل شدید به بنی امیه داریم، پس آگاه باش.

همچنین می گوید:

ثم تتابع علماء الشام كاین تیمیه وابن كثير وابن القيم- واشدهم ابن تیمیه- علی التوجس من فضائل علی واهل بيته، وتضعيف الأحاديث الصحيحة في فضلهم، مع المبالغة في مدح غيرهم!! وعلماء الشام- مع فضلهم- بشر لا ينجون من تأثير البيئه الشاميه التي كانت اقوى من محاولات الإنصاف، خاصة مع استثناس هؤلاء بالتراث الحنبلي... (۱)

سپس یکی پس از دیگری علمای شام همچون ابن تیمیه وابن كثير وابن قيم آمدند، که شدیدترین آنها در مخفی نمودن فضائل علی واهل بیتش و تضعیف احادیث صحیح در فضائل آنان، ابن تیمیه است، و این در حالی است که در مدح دیگران شدیداً مبالغه می کنند. علمای شام با فضیلتی که دارند بشری هستند که هرگز از تأثیر محیط شام بی نصیب نبوده اند، محیطی که از انصاف به دور بوده است. خصوصاً آنکه آنان با میراث حنابله انس داشته اند ...

وی می گوید:

حُوِكَمَ ابن تیمیه في عصره علی بغض علی و اتهمه مخالفوه من

۱- داعیه و لیس نبیاً، ص ۱۷۶.

ص ۱۰۶

علماء عصره بالنفاق و اخطئوا فی ذلك و اتهموه بالنصب و اصابوا فی كثير من ذلك، لقوله: انّ علیاً قاتل للرئاسة لاللدیانة، و زعمه انّ اسلام علی مشكك فيه لصغر سنه و انّ تواتر اسلام معاویه و یزید بن معاویه أعظم من تواتر اسلام علی!! و أنّه كان مخذولاً، و غیر ذلك من الشناعات التي بقى منها ما بقى فی كتابه منهاج السنه. و ان لم تكن هذه الأقوال نصباً فلیس فی الدنيا نصب. (۱)

ابن تیمیه در عصرش به جهت دشمنی با علی (ع) محاکمه شد و مخالفین از علمای عصرش او را متهم به نفاق کردند، ولی در آن به خطا رفتند و او را متهم به عداوت با اهل بیت: نمودند و در بسیاری از موارد به واقع رسیدند؛ چرا که او می‌گوید: علی به جهت ریاست جنگید نه به جهت دیانت. و گمان او که اسلام علی مورد شک است؛ چرا که کودکی کم سن بوده است، و تواتر اسلام معاویه و یزید بن معاویه از تواتر اسلام علی مهم‌تر است، و اینکه علی خوار شده است، و دیگر کلمات زشت و پست که در کتابش به نام «منهاج السنه» باقی مانده است. و اگر این گفته‌ها نصب و دشمنی با حضرت علی نباشد پس در دنیا دشمنی نیست.

۳. محمد ناصرالدین البانی، سلفی (م ۱۴۲۰ هـ. ق)

او درباره حدیث غدیر می‌گوید:

فمن العجیب حقاً ان یتجرأ شیخ الإسلام ابن تیمیة علی انکار

۱- سلسله الأحادیث الصحیحة، البانی، ج ۵، ص ۲۶۳.

ص ۱۰۷

هذا الحديث وتكذيبه في (منهاج السنه) كما فعل بالحديث المتقدم هناك ... (۱)

حقاً عجیب است که شیخ الاسلام ابن تیمیه جرأت کرده و این حدیث را در (منهاج السنه) انکار و تکذیب نموده است همان گونه که با حدیث پیشین چنین معامله‌ای انجام داده است ...

همچنین درباره حدیث غدیر می‌گوید:

فقد كان الدافع لتحرير الكلام على الحديث وبيان صحته أنني رأيت شيخ الإسلام ابن تيمية، قد ضعف الشطر الأول من الحديث، وأما الشطر الآخر فزعم أنه كذب، وهذا من مبالغاته الناتجة في تقديري من تسرعه في تضعيف الأحاديث قبل أن يجمع طرقها ويدقق النظر فيها. والله المستعان. (۲)

جهت اطاله کلام درباره این حدیث و بیان صحت آن این بود که مشاهده کردم ابن تیمیه را که قسمت اول از این حدیث را تضعیف کرده و قسمت آخر را گمان نموده که دروغ است، و این کار به نظر من از مبالغات او در سرعت داشتن و عجله کردن در تضعیف احادیث است قبل از آنکه طرق آن را جمع کرده و در آن دقت نظر کند. و خداوند کمک کننده است.

وی درباره حدیث ولایت بعد از تصحیح سند آن می‌گوید:

هذا كله من بيان شيخ الإسلام وهو قوى متين كما ترى، فلا أدري بعد ذلك وجه تكذيبه للحديث إلا التسرع والمبالغة في

۱- سلسله الأحاديث الصحيحة، البانى، ج ۵، ص ۲۶۳.

۲- همان، ج ۴، ص ۳۴۴.

ص ۱۰۸

الردّ علی الشیعه، غفر الله لنا وله. (۱)

این به تمامه از بیان ابن تیمیه بود و این بیان قوی و متین است، ولی نمی‌دانم که چرا او این حدیث را تکذیب کرده است و به نظر من جهتی جز این نداشته که او در ردّ بر شیعه سرعت به خرج می‌داده و مبالغه می‌کرده است. خداوند از ما و از او بگذرد.

۴. محمد بن علوی مالکی

او مدت‌ها در عربستان و در مکه مکرمه ساکن بوده و در مسجدالحرام کرسی تدریس داشت و دارای تخصص در علم حدیث و فقه و تاریخ بود و حدود سه سال است که از دنیا رحلت کرده است. او که عالمی سنی بود، پرچم مخالفت با وهابیان را در کشور عربستان به دست گرفت و با سخنان خود و کتاب‌هایش به مقابله با انحرافات وهابیان پرداخت. بعد از انتشار کتاب‌هایش در عربستان و سرتاسر جهان، وهابیان او را محاکمه کرده و محکوم به اعدامش نمودند، ولی او ادعا کرد که حاضر است با بزرگان آنان بحث کند. وی با بحث‌های فراوان با وهابیان آنان را محکوم کرد. بنابراین وهابیان مجبور شدند تا حکم خود را پس گرفته و ادعا کنند که اختلاف ما با او اجتهادی است و برداشت‌ها مختلف است.

بدین جهت او را رها کرده، ولی درس و تدریس و شاگردانش را شدیداً تحت نظر قرار دادند. او کتاب‌هایی را در ردّ افکار و مبانی و عقاید و فتاوی وهابیان دارد که انصافاً علمی و قابل استفاده است.

ایشان در کتاب «التحذیر من المجازفة بالتکفیر» می‌نویسد:

لقد ابتلینا بجماعه تخصصت فی توزیع الکفر والشرك واصدار الأحكام بالقاب وأوصاف لا یصح ولا یلیق ان تُطلق علی مسلم یشهد أن لا إله إلا الله وأنّ محمّداً رسول الله، کقول بعضهم فیمن یختلف فی الرأی والمذهب معه: محرف ... دجال ... مُشعوذ ... مبتدع ... وفی النهایه: مشرک ... وکافر ...

ولقد سمعنا كثيراً من السفهاء الذین ینسبون انفسهم إلى العقیده یکیلون مثل هذه الألفاظ جُزافاً، ویزید بعض جهلتهم بقوله: داعیه الشرك والضلال فی هذه الأزمان، ومجدّد ملّة عمرو بن لُحی المدعو بفلان ... هکذا نسمع بعض السفهاء یکیل مثل هذا السب والشم وبمثل هذه الألفاظ القبیحه التي لا تصدر إلا عن السوقة الذین لم یجیدوا اسلوب الدعوة وطریقه الأدب فی النقاش ... (۱)

ما به کسانی مبتلا شده‌ایم که در توزیع کفر وشرک وصادر کردن احکام با القاب و اوصاف غیر صحیح تخصص دارند، اوصافی که لایق مسلمان شهادت‌دهنده به توحید ونبوت پیامبر اسلام (ص) نیست، مثل اینکه برخی از آنان به افرادی که مخالف خود در رأی ومذهب می‌باشند عنوان: تحریف‌کننده ... دجال ... شعبده‌باز ... بدعت‌گذار ... ودر آخر مشرک ... وکافر را اطلاق می‌کنند ...

از بسیاری از سفیهانی که خودشان را به عقیده نسبت می‌دهند شنیده‌ایم که چگونه امثال این گونه الفاظ را جزافی و به طور

۱- التحذیر من المجازفة بالتکفیر، محمد بن علوی مالکی، صص ۸-۹.

ص ۱۱۰

گسترده، به کار می‌برند. وحتى برخی از آنها پا از این فراتر نهاده و بر مخالف خود عنوان: (دعوت کننده به شرک و گمراهی در این زمان، و تجدید کننده ملت عمرو بن لحي آقای فلانی ...) را به کار می‌برند ...

این گونه از برخی سفیهان می‌شنویم که به صورت گسترده امثال این دشنام‌ها و فحش‌ها و الفاظ قبیح را به کار می‌برند، الفاظی که تنها از افراد کوچک و بازار صادر می‌شود، کسانی که اسلوب و روش دعوت و طریقه ادب در مناقشه را به خوبی نمی‌دانند ...

او در مقدمه کتاب خود به نام «الزيارة النبوية بين الشرعية والبدعية» می‌نویسد:

أنه قد ظهر في موسم الحج هذا العام (۱۴۱۹) كتاب أساء إلى المسلمين وكدر عليهم صفوهم وهم في زيارة رسول الله (ص)، فكان أكبر اizard لهم وجرح لشعورهم، وهم حجاج زوار قاصدون وجه الله سبحانه وتعالى؛ إذ يقول هذا المتعدى: ان زيارة رسول الله (ص) بعد موته مفسدة راجحة لا خير فيها، فأزعجنا هذا الإفتاء والتعدى وسوء الأدب على مقام رسول الله (ص)، لذلك احببت ان اشارك بهذه الرسالة في الدفاع عن مقام رسول الله (ص) والذب عنه، وهو اقل ما يقدمه الحبيب لحبيبه والمؤمن لنبيه، وهو ليس غلواً ممقوتاً ...

(۱)

در موسم حج امسال، سال ۱۴۱۹ کتابی از سوی وهابیان چاپ شد که

۱- الزيارة النبوية، ص ۲.

ص ۱۱۱

در آن به مسلمانان اهانت شده و نیکان را منکدر نموده است، نیکانی که در حال زیارت رسول خدا بوده‌اند. آنان بیشترین آزار و اهانت را به زائرانی داشتند که تنها قصدشان خداوند سبحان و متعال بوده است. نویسندگان متجاوز کتاب گفته که زیارت رسول خدا بعد از مرگش دارای مفاسد بوده و در آن خیری نیست. این اهانت و سرکشی و سوء ادب بر مقام رسول خدا ما را به درد آورده است. لذا دوست داشتم تا با تألیف این رساله در دفاع از مقام رسول خدا سهیم باشم. و این کمترین کاری است که می‌تواند یک دوست نسبت به محبوبش و مؤمن نسبت به پیامبرش انجام دهد، و این کار غلو ناپسند نیست ...

از کتاب‌های محمد بن علوی بر ضد وهابیان؛ عبارت است از:

الف) «مفاهیم یجب ان تصحح»؛

ب) «منهج السلف فی فهم النصوص»؛

ج) «الزیارة النبویة بین الشرعیة والبدعیة»؛

د) «الغلو»؛

ه) «شفاء الفؤاد بزیارة خیر العباد»؛

و) «رسالة عن ادلة مشروعیة المولد النبوی»؛

ز) تعلیقه بر کتاب «المولد النبوی»، از «حافظ ابن بدیع»؛

ح) تعلیقه بر کتاب «المولد النبوی»، از «حافظ ملا علی قاری»؛

ط) «هو الله»؛

ی) «التحذیر من المجازفة بالتکفیر».

ص ۱۱۳

* قرآن کریم.

۱. ادله أهل السنة والجماعة، يوسف الرفاعي، چاپ پنجم، كويت، مكتبة دار القرآن الكريم، ۱۴۱۰ هـ. ق.
۲. الاشفاق في حكم الطلاق، محمد زاهد كوثري، بيروت، دار الكتب العلمية، ۱۴۲۵ هـ. ق.
۳. البدر الطالع، محمد بن علي شوكانی، چاپ اول، بيروت، دار الكتب العلمية، ۱۴۱۸ هـ. ق.
۴. البرهان الجلی، احمد غماري، چاپ اول، مصر، مطبعة السعادة، ۱۳۸۹ هـ. ق.
۵. تحفة النظر في غرائب الامصار وعجائب الاسفار، چاپ مصر، ۱۳۵۷ هـ. ق.
۶. تحفة النظر في غرائب الامصار، ابن بطوطه، چاپ اول، الشركة العالمية للكتاب، ۱۹۹۱ م.
۷. تصحيح المفاهيم العقديّة، عيسى حميرى، چاپ اول، مصر، دار السلام، ۱۴۱۹ هـ. ق.
۸. تطهير الفؤاد، محمد بخيت مطيعى، چاپ تركيه، ۱۳۹۷ هـ. ق.
۹. الدرر الكامنة، ابن حجر عسقلانى، بيروت، دار الحبل، ۱۴۱۴ هـ. ق.

ص ۱۱۴

۱۰. ذیل التاریخ الاسلام، ذهبی، چاپ اول، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۲۴ ه. ق.
۱۱. رفع الاصر عن قضاء مصر، ابن حجر، چاپ اول، مصر، مکتبه الخانجی، ۱۴۱۸ ه. ق.
۱۲. سعادة الدارين فی الرد علی الفریقین، ابراهیم سمودی، چاپ اول، موریتانی، مکتبه الامام مالک، ۱۴۲۶ ه. ق.
۱۳. سلسله الاحادیث الصحیحه، ناصر الدین البانی، ریاض، مکتبه المعارف، ۱۴۱۵ ه. ق.
۱۴. السلفیه (مرحله زمنیه)، بوطی، چاپ اول، بیروت، دار الفکر المعاصر، ۱۴۰۸.
۱۵. سمیری الصالحین، عبدالله غماری، چاپ اول، مصر، مکتبه القاهره، ۱۳۸۸ ه. ق.
۱۶. سیف الابرار المسلول علی الفجار، چاپ استانبول، ۱۹۸۶ م.
۱۷. شرح الشفاء، ملا علی قاری، چاپ اول، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۱ ه. ق.
۱۸. شرح المواهب اللدنیه، زرقانی، چاپ اول، بیروت دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۷ ه. ق.
۱۹. شفاء السقام، تقی الدین سبکی، مصر، دار جوامع الکلم.
۲۰. شواهد الحق، یوسف نبهانی، مصر، المکتبه التوفیقیه.
۲۱. طبقات الشافعیه، سبکی، چاپ اول، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۰ ه. ق.
۲۲. غایه التبجیل، محمود سعید بن ممدوح، چاپ اول، امارات، مکتبه الفقهیه، ۱۴۲۵ ه. ق.
۲۳. فرقان القرآن، سلامه قضاعی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲۴. فضل الذاکرین والرد علی المنکرین، چاپ سوریه، ۱۳۹۱ ه. ق.
۲۵. فقه السیره النبویه، بوطی، بیروت، دار الفکر المعاصر، ۱۴۲۳ ه. ق.

ص ۱۱۵

۲۶. قرائه فی کتب العقائد، حسن بن فرحان مالکی، چاپ اول، اردن، مرکز الدراسات، ۱۴۲۱ ه. ق.
۲۷. کلمه هادله فی زیاره وشدالرحال، عمر عبدالله کامل، چاپ اول، دار المصطفی، ۱۴۲۶ ه. ق.
۲۸. لسان المیزان، چاپ سوم، بیروت، موسسه الأعلمی، ۱۴۰۶ ه. ق.
۲۹. مرآة الجنان، حیدرآباد دکن، ۱۳۳۹ ه. ق.
۳۰. المواهب اللدنیة، قسطلانی، چاپ دوم، بیروت، المكتب الإسلامی، ۱۴۲۵ ه. ق.
۳۱. النجوم الزاهرة، ابن تعری، مصر، وزارة الثقافة.
۳۲. نقد الرسالة التدمریة، سعید فوده، چاپ اول، دار الرازی، ۱۴۲۵ ه. ق.
۳۳. نقض قواعد التشبیه، عمر عبدالله کامل، چاپ اول، دار المصطفی، ۱۴۲۶ ه. ق.

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۴۵۲۳۵)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند

مسجد جمکران و ...



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

